



بررسی تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان

پوهنمل محمد طالب طارق

دیپارتمنت تاریخ پوهنخی علوم اجتماعی پوهنتون بدخشانپ

Taruqtariq1985@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-3486-1799>

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

تغییرات اقلیمی به عنوان یک واقعیت جهان معاصر و پدیده‌ای چالش‌زا در جغرافیای کره زمین مطرح است. خطرات ناشی از آلوده گی هوا، گازهای گلخانه‌ای، گرمای زمین، خشک‌سالی و بحران آب، تأثیرات بالقوه بر روند زندگی اقتصادی انسان‌ها، زیرساخت‌های فرهنگی، جغرافیایی طبیعی و ایکوسیستم زمین بار خواهد آورد که در نهایت جامعه بشری را به چالش‌های بزرگی روبرو خواهد کرد. تأثیر تغییرات اقلیمی بر روند توسعه‌ی اقتصادی افغانستان، محور پژوهش حاضر است، که آسیب‌پذیری این کشور را در تغییرات اقلیمی به تحلیل گرفته و براینده این تغییرات را بر روند توسعه اقتصادی افغانستان به بررسی می‌گیرد. این تحقیق با این پرسش آغاز می‌شود که چگونه می‌شود، تهدیدها و خطرات تغییرات اقلیمی را بر روند تکامل اقتصادی افغانستان مهار کرد و این کشور را از آسیب‌پذیری آن نجات داد؟ هدف تحقیق حاضر، شناسایی فرصت‌های متنوع ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی افغانستان جهت مبارزه با تغییرات اقلیمی است تا این کشور را از بحران تغییرات اقلیمی، نجات داد. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحقیقات بین‌المللی و ادبیات نظری به آن پرداخته خواهد شد. بنابراین، نتیجه گرفته میشود که افغانستان می‌تواند با به‌کارگیری ظرفیت‌های بالقوه بشری، در امر مبارزه با تغییرات اقلیمی موفق شود و با مدیریت منظم آب، کنترل مصرف ذخایر گازی، حفظ اراضی سبز و ایجاد زیرساخت‌های ایکولوژیکی، بحران اقلیمی را به فرصت تبدیل کند.

واژه‌های کلیدی: اقلیم، خشک سالی، مدیریت آب و ایکوسیستم.

Analysis of Climate Change Effects on Afghanistan's Economic Development

Author
Email
orcid

Mohammad Talib Taruq
History Department of Social science faculty ,
Badakhshan University, Badakhshan
Afghanistan
Taruqtaruq1985@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0007-3486-1799>

Abstract

Climate change is recognized as a contemporary global reality and a significant challenge for Earth's geography. The dangers posed by air pollution, greenhouse gases, global warming, droughts, and water crises have potential effects on human economic life, cultural infrastructure, natural geography, and the planet's ecosystem, ultimately confronting humanity with profound challenges. The present research focuses on the impact of climate change on Afghanistan's economic development, analyzing the country's vulnerability to these changes and assessing the outcomes of climate change on its economic growth. This research begins with the question: How can the threats and risks of climate change to Afghanistan's economic development be mitigated, and how can the country be safeguarded from its vulnerabilities? The aim of this study is to identify Afghanistan's diverse geo-economic and geo-strategic opportunities to combat climate change and to guide the country out of this crisis. The research methodology is analytical-descriptive, relying on library resources, international studies, and theoretical literature. Consequently, it is concluded that Afghanistan can succeed in combating climate change by utilizing its human potential, through proper water management, controlling gas reserves consumption, preserving green lands, and establishing ecological infrastructure, thus transforming the climate crisis into an opportunity.

Keywords: climate, drought, water management, ecosystem.

مقدمه

افغانستان یکی از کشورهای آسیایی است که در معرض جدی خطرات ناشی از تهدید تغییرات اقلیمی قرار دارد. این کشور به نسبت موقعیت ژئواستراتژیک اش بالای (کمر بند خشک جغرافیای جهان که دارای بارندگی محدود و درجه‌ی گرمای بالاست)، همواره به عنوان ششمین کشور آسیب‌پذیر در تغییرات اقلیمی جهان شناخته می‌شود. هر چند افغانستان جای‌پای در تولیدات صنعتی، خطوط ریل، مصرف بالای ذغال سنگ و گازهای گلخانه‌ای ندارد، اما محاصره شدید این کشور توسط کوه‌های خشک و خشن، دشت‌ها و صحرای بی آب و علف، خشک سالی متوالی، این کشور را در منطقه آسیب‌پذیر ساخته است.

تحقیقات تازه نشان می‌دهد که محیط زیست جهان به دلیل تولیدات انبوه گازهای گلخانه‌ای در آینده به یک چالش بزرگ مواجه است که اثرات آن دامن تمام جهان را فرا خواهد گرفت. افغانستان به دلیل جغرافیای طبیعی نامناسب در این ردیف قرار دارد. دانشمندان زیست‌شناس، قرن ۲۱ میلادی را قرن تغییرات اقلیمی گفته‌اند که در آن یخچالها و منابع یخی (قطب شمال و جنوب) در حال ذوب شدن قرار داشته و آب اقیانوس‌های جهان در حال بالا رفتن است که اثرات خطرناکی بالای ساکنین تمام دنیا باقی خواهد گذاشت. افغانستان که یک جغرافیای کوهستانی و خشکه است، آسیب‌پذیری آن نظر به تمام جهان بیشتر است. خشک سالی یکی از اثرات مهمی تغییرات اقلیمی است که تمام سطوح زندگی مردم را متأثر کرده و در حال حاضر به بحران بزرگی تبدیل شده است.

تبیین مسأله

شناخت مولفه‌های تأثیرگذار، ناشی از تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان به ما کمک می‌کند تا آسیب‌های تغییرات اقلیمی را به گونه‌ی علمی شناسایی و راه‌حل‌های مناسب را برای مهار، مدیریت و مبارزه علیه آن ارایه کنیم. بیان این مشخصه که تغییرات اقلیمی اثرات بد و ناگواری بر کیفیت تولیدات، زراعت، روابط اقتصادی، تعاملات منطقه‌ای و محیط زیست افغانستان دارد به ما کمک می‌کند تا مشکل را آسانتر تشخیص و الگوهای علمی را جهت ارایه‌ای طرح‌های تازه به دولت و اداره‌های مربوطه پیشکش کنیم. هرچند راجع به تغییرات اقلیمی، تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در سطح جهان صورت گرفته است که کارشناسان طرح‌های علمی را جهت مقابله و مدیریت بحران اقلیمی به دولت‌ها دادند،

اما به دلیل نیاز صنعتی جهان و تأمین روابط اقتصادی دنیا، تلاش‌ها جهت مبارزه و مقابله یا تغییرات اقلیمی تا هنوز نتیجه محسوس در جهان معاصر نداشته است. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۶)

در خصوص بیان طرح مسأله این پژوهش باید گفت که تحقیقات جامع و کلی راجع به تأثیرات تغییرات اقلیمی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان تا هنوز صورت نگرفته است. نگارش‌ها و معلومات در حد ابتدایی و آسیب شناسانه بوده که توسط نهادهای بین‌المللی در حد مشوره ارایه شده است. این تحقیق به این هدف سامان یافته است تا عینیت علمی را با برابندی که تغییرات اقلیمی بر اقتصاد افغانستان اثر گذاشته است به بررسی بگیرد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

تغییرات اقلیمی چه تأثیری بالای اقتصاد افغانستان خواهد داشت؟

پرسش‌های فرعی

۱. راه‌های مقابله با تغییرات اقلیمی با چه شیوه‌های امکان پذیر است؟
۲. چگونه می‌شود چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی را به فرصت تبدیل کرد و از آن در امر بهبود اقتصاد افغانستان کار گرفت؟
۳. تغییرات اقلیمی چه پیامدهای در دراز مدت به افغانستان به بار خواهد آورد؟

هدف تحقیق

هدف اصلی

بیان میزان تأثیر پذیری افغانستان از تغییرات اقلیمی.

اهداف فرعی

۱. توجه به ضرر ناشی از تغییرات اقلیمی.
۲. نگاه به پیامد طویل‌مدت تغییرات اقلیمی در افغانستان. است که تلاش میشود، تا دورنمایی کلی آن با اثرگذاری اش در جامعه و اقتصاد این کشور به تحلیل و بررسی گرفته شود.

اهمیت تحقیق

اهمیت این پژوهش در این است تا مولفه‌های را که مانع پیشرفت اقتصادی افغانستان شده‌اند، در داخل، منطقه و مارکیت بین‌المللی به معرفی بگیرد. تغییرات اقلیمی بخش

از این مولفه‌ها است که سقف شکننده‌ای را در تولیدات زراعتی، منابع آبی و غیره ایجاد کرده و فرصت‌های خوبی انکشافی را از این کشور گرفته است. طوفان‌های آبی، سیل‌های صخره‌ای، خاک‌بادهای فصلی، قلت باران و ده‌ها موارد دیگر، نمودارهای اند که در پلتفرم تغییرات اقلیمی افغانستان ایجاد میشود و اثرات ناگواری بر اجتماع، اقتصاد و زیر ساخت‌های افغانستان از خود به ارثیه می‌گذارد. بناً اهمیت این تحقیق در این است تا خواننده گان را به تبعات منفی اثرات تغییرات اقلیمی بر ساختار اقتصادی افغانستان آشنا کند.

روش تحقیق

این پژوهش تحلیلی-توصیفی است. گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای و تحلیل مبانی نظری صورت گرفته است. در تحقیق کتابخانه‌ای با استفاده از منابع و اطلاعات از کتاب‌ها، مجلات تحقیقی، ژورنال‌های داخلی و بین‌المللی مرتبط به موضوع، طرح پژوهشی و غیره کار گرفته شده است. در این تحقیق، سعی شده است، ضمن جمع‌آوری اطلاعات از طریق منابع و کتابخانه، تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و تحلیلی با حقایق و عنیت علمی صورت گیرد تا سوالات مرتبط با عنوان کلی پاسخ داده شده و طرح‌های مهمی جهت رفع چالش‌ها و ایجاد فرصت‌های لازم در قبال موضوع بررسی و تبیین شود.

پیشینه‌ی تحقیق

حفظ و نگهداشت محیط‌زیست، یکی از اصلی‌ترین بنای تمدنی در کانون‌های گذشته بشر است. تمدن‌های بین‌النهرین، مصر و حوزه سند، تلاش‌های جدی را در هزاره‌های چهارم و سوم قبل میلاد، جهت بنا و اعمار محیط زیست خود انجام دادند که فعالیت‌های ایشان جهت فضای سبز با غرس اشجار، ساخت بندها و جوی‌های آب و اعمار دیوارهای محافظتی و غیره مهم و برجسته است. حتا طوریکه آشور بانیپال و حمورابی را به عنوان چهره‌های سازنده‌ای محیط زیست تمدن‌های قدیمه بشر می‌دانند. افزون براین، مبارزه برای بقا، میان انسان و طبیعت یک اصل جدا ناپذیر در فرهنگ انسانی است که باعث تخریب و ویرانی جغرافیای طبیعی و محیط زیست نیز شده است.

قبل از انقلاب صنعتی، دانشمندان عصر روشنگری از خطرات احتمالی تغییر اقلیم و آلوده‌گی محیط زیست که اصل مشترک تمام انسان‌ها است، هشدار می‌دادند و حتا میان گروه‌های نخبه‌ای علمی در قرن ۱۸ میلادی، موضوع حفظ طبیعت و ایکوسیستم به یک

مسئله مهم تبدیل شده بود. همزمان با آغاز انقلاب صنعتی و بکارگیری انبوه از ذخایر طبیعی (ذغال، نفت و باروت) جهان به آسیب تغییرات اقلیم پی برد و دانشمندان یکی از مهم ترین پیامد انقلاب صنعتی را تخریب انبوه جنگلات، آزاد سازی انبار گازات طبیعی و غیره دانسته اند که از لوله‌های کارخانه‌جات عصر انقلاب صنعتی به فضای طبیعت جهان صادر می‌شد. بنابراین، بعد از انقلاب صنعتی، جهان وارد عصر تازه‌ای از مبارزه و مجادله شد که بحران تغییرات اقلیمی و مدیریت آن بود. تحقیقات پیرامون چالش‌های زیست محیطی میان دانشمندان در جهان امروز شکل تازه‌ای بخود گرفته است. (Naqdi, 2017:29)

آنتوم آرلوف (۲۰۱۷) در یک تحقیق علمی ثابت کرد که قرن ۲۱ میلادی، آغاز مبارزه نفس‌گیر انسان‌ها با طبیعت است که پیامد آن، نابودی تدریجی بشر است. وی تاکید داشت: تغییرات اقلیمی اصل مشترک تمام ملت‌های دنیا است و متأسفانه که ملت‌های فقیر در این مبارزه خساره‌ای بیشتر خواهند پرداخت. وی یاد آور شد که اگر جهان، مشترک برای مهار تغییرات اقلیمی دست بکار نشود، ممکن همه‌ای بشریت آسیب‌پذیر شوند.

ایم. ایل پاری (۲۰۰۴) در یک پژوهشی علمی زیر عنوان تأثیر تغییرات اقلیمی بر تولید غذایی جهان نگاشته است که تغییرات اقلیمی بر وضعیت انبار غذایی جهان تأثیر بدی خواهد گذاشت که در آن تجارت جهانی شدیداً آسیب خواهد دید و نیازهای اولیه انسان‌ها رفع نخواهد شد. وی بحران غذایی جهان را از تغییرات اقلیمی می‌داند که زیر ساخت‌های زراعتی و اقتصادی را درهم شکسته، سطح نیازمندی جهان را چند برابر خواهد کرد که از این درک کشورهای که با کمبود منابع و غذا روبرو اند، آسیب بیشتر خواهند دید.

جلیل پویا (۲۰۲۳) محقق برجسته افغانسان راجع به اقلیم‌شناسی جهان می‌نگارد که تغییرات اقلیمی آسیب بیش‌تری به زندگی مردم در سراسری کشورهای جهان سوم و افغانستان وارد خواهد کرد. وی نگاشته است، سیلاب‌ها، بارندگی بی‌موقع، خشک‌سالی و قلت آب باعث ورشکسته‌گی پیداوار زراعتی در افغانستان خواهد شد که زندگی مردم را به بحران درجه یک داخل خواهد کرد. وی می‌نگارد: جغرافیایی افغانستان در برابر تغییرات اقلیمی، نهایت آسیب‌پذیر و خشن است و به این خاطر است که سازمان ملل متحد افغانستان را در جمع کشورهای آسیب‌پذیر در ردیف ششم قرار می‌دهد. نعیم اکرم (۲۰۱۲) طی یک تحقیق علمی زیر عنوان آیا تغییرات اقلیمی کشورهای آسیایی را هشدار می‌دهد می

نگارد که تمام کشورهای آسیایی که شامل صنعتی (چین، ژاپن و کوریا) و غیرصنعتی می‌شود در معرض تهدیدات شدید اقلیمی قرار دارند. وی تأثیرات تغییرات اقلیمی را در این کشورها در حدود ۶۰ درصد می‌داند که مستقیم و غیر مستقیم به تمام این کشورها تهدید وارد خواهد کرد و راه حل‌های علمی، جهت نجات از تغییرات اقلیمی در این مناطق به دلیل نیازهای صنعتی کشورهای آسیایی، مانند روسیه، جاپان و کوریا بعید به نظر می‌رسد. وی می‌افزاید که کشورهای آسیایی بیشترین مصرف انرژی جهان را دارند و به همین دلیل رشد اقتصادی نامتوازن این کشورها را تهدید می‌کند. وی می‌افزاید که کشورهای آسیایی، مانند افغانستان درگیر اقتصاد ناکافی اند و توان مدیریت منظم تغییرات اقلیمی در این کشورها دیده نمی‌شود به همین دلیل میزان آسیب‌پذیری در این کشورها نهایت بالاست. وی برای رهای این کشورها از بحران اقلیمی، طرح همکاری زیرساخت‌ها را توسط کشورهای توسعه یافته می‌دهد تا به هر شکل ممکن تغییرات اقلیمی کنترل شود.

نظر به گفته دیل. جونس (۲۰۰۸) نظر به تغییرات اقلیمی جهان، آمار کشورهای فقیر از ۶ در صد به ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. وی می‌افزاید که نظر به تغییرات آب و هوا، نسل بیشتر حیوانات مناطق سرد سیر منقرض و چشم انداز جهان سبز به دود و آتش تبدیل خواهد شد. بنابراین، یافته می‌شود که جهان با هیولای خاموش (تغییرات اقلیمی) روبرو است که تمام کشورها، آسیب جدی آنرا خواهند دید که این آسیب‌پذیری، تأثیرات مخرب و ویران کننده‌ای بالای جامعه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست باقی خواهد گذاشت و جهان را به چالش جدی و غیر قابل کنترولی روبرو خواهد کرد. (عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۶۷-۱۶۸)

تغییرات اقلیمی و آلوده گی هوا در افغانستان تهدیدی بزرگی برای سلامت عمومی است که پیامدهای عمده اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی دارد. تغییرات ناشی از آلوده گی و تخریب هوای پاک، بهره‌وری و تولید محصول فصلی سالانه‌ای ده‌ها سال را کاهش داده و آسیب‌های عمده‌ای را به ایکو سیستم، زیر ساخت‌ها و بناهای فرهنگی، تاریخی و میراث‌های طبیعی وارد خواهد کرد. افزایش فعالیت‌های صنعتی، توسعه‌ای جمعیت، افزایش شتابان و استفاده از موتورها و ده‌ها عامل دیگر باعث شده است که کره زمین در قرن حاضر به تناسب ادوار گذشته، گرم‌تر شود. باید اذعان داشت که کشورهای صنعتی در بروز این اتفاق، بیشترین سهم را داشته اند، اما پیامد این

تغییرات اقلیمی متوجه همه کشورها شده است و از همین رو تلاش می‌شود تا کشورها نظر به توان شان در امر کنترل این پدیده بکوشند. (Parry, 2014:145)

وقوع سیلاب‌های صخره‌ای شدید، سرمای بی‌موقع، گرمای سطح زمین، خشک‌سالی متوالی، بالا آمدن سطح آب‌دریاها و اقیانوس‌ها، شیوع آفات و بیماری گیاهی، تخریب لایه اوزون، آتش‌سوزی، ذوب شدن یخ‌های دائمی اقیانوس‌های جهان، از جمله موارد است که در تغییرات اقلیمی مورد بحث قرار می‌گیرد. در افغانستان تأثیرات تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی بیشتر شده است، باید راه‌حل‌های علمی تازه را سنجید و برای مهار آن دست بکار شد. تأثیرات تغییرات اقلیمی بر روند انکشاف اقتصادی افغانستان تأثیر مستقیم خواهد داشت که افزون بر تلفات و خسارات فوری در دراز مدت شاهرگ‌های رشد اقتصادی این کشور را خشک خواهد نمود و افغانستان را در در بعد اقتصادی وابسته به کشورهای همسایه خواهد کرد. بناً تلاش جهت مهار و مدیریت بحران اقلیمی یک امر سیال و ضروری در فضای افغانستان است که باید با تحقیقات علمی و پژوهش‌های تحقیقی به آن پرداخته شده و راه حل کارا جستجو شود. (Bozanic, 2019:134)

نتایج و یافته‌ها

تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری اقتصاد افغانستان

در رده بندی کشورهای جهان سوم، افغانستان در صدر جدول ۴۹ کشور توسعه نیافته جهان قرار دارد. این کشور با وجود منابع طبیعی هنگفت و معادن متنوع هنوز، دارای ثبات اقتصادی نشده است. قابل ذکر است که شرایط نامطلوب اقتصادی افغانستان با بحران تغییرات اقلیمی تشدید یافته و روزه‌های امید را از این جغرافیا گرفته است. افغانستان به صورت عموم دارای اقلیم خشک و نیمه خشک قاره‌ای است. به اساس فرضیه‌های علمی دانشمندان زیست‌شناس، مناطقی که دارای اقلیم خشک است، از آسیب‌پذیرترین مناطق در برابر تغییرات اقلیمی است. بناً، تغییرات اقلیمی و آب و هوای خشک و نامطلوب تأثیرات هولناکی بر اقتصاد و اجتماع افغانستان بار خواهد آورد. باید گفت که اقتصاد افغانستان یک اقتصاد طبیعی (کشاورزی) است که در حدود ۸۰ درصد معیشت روزانه مردم به زراعت و مالداري وابسته است که آسیب‌پذیری این صنایع بر اوضاع اقتصاد جمعی افغانستان که کشاورزی است، تأثیر بدی خواهد گذاشت که در زیر به شرح این اثرات خواهیم پرداخت.

۱- **اثرات اقلیمی بر حوزه‌های آبی کشور:** افغانستان از جمله کشورهای است که بخش اعظم آب‌های منطقه را کنترل می‌کند و از آن در رشد و توسعه اقتصادی خود تا قدری کار می‌گیرد. این کشور نظر به سیاست هیدروپولیتیکی اش، حوزه‌های آبی خود را به پنج بخش (دریای هلمند، کابل، مرغاب، آمو و هریرود) جداگانه تقسیم کرده است. به طور کلی، نگاه افغانستان به آب به عنوان یک منبع هیدروکاربری است که دولت مداران، آب را به عنوان یک منبع ارزشمند طبیعی، مانند نفت دیده و دولت باید بخشی از هزینه خود را از طریق فروش آب به همسایه‌های خود تأمین کند. منابع آبی افغانستان از جمله امتیازی است که توسط تغییرات اقلیمی متأثر شده است. آب‌های زیر زمینی تا یازده متر پایین رفته است، حوزه‌های آبی سمت شمال و جنوب افغانستان به دلیل خشک‌سالی آسیب جدی دیده و شبکه‌های آبرسانی آب شرب در اکثر مناطق افغانستان با چالش روبروست. کاهش باران و افزایش درجه حرارت در اکثر مناطق کشور به ویژه حوزه هندوکش، بیشتر حوض‌ها و چراگاه‌های کشور را با کاهش قابل ملاحظه‌ی آب روبه‌رو کرده و زندگی حیوانات، پرندگان و گونه‌های گیاهی ساکن را در این مناطق به مخاطره انداخته است که در کل وضعیت جغرافیای زیستی برای تمام زنده‌جان‌ها خطرناک قلمداد می‌شود. (Naqdi,2017:24)

۲- **تأثیرات اقلیمی بر جنگل‌ها و چراگاه‌ها:** به دلیل مدیریت ناکارآمد، جنگ زدایی در افغانستان در حال افزایش است. خشک‌سالی متوالی، قطع درختان جنگل، آتش سوزی‌های جنگلی و تبدیل جنگل‌ها به اراضی زراعتی باعث ویرانی کلی ایکوسیستم در افغانستان شده است. افغانستان در حدود ۳ درصد مساحت جنگلی دارد و نظر به گفته سازمان ملل مساحت کمتر از ۲۵ درصد جنگلات هر کشور را در موقعیت بحران زیست‌محیطی قرار می‌دهد. علفچرها و جنگلات سهم بالای در کارکرد محیط زیستی دارند که اثرات تغییرات اقلیمی این امتیاز را از کشورها خواهد گرفت. (Bozanic,2019:23)

۳- **اثرگذاری اقلیمی بر تنوع جغرافیای زیستی:** افغانستان دارای پنج حوزه آبی دایمی است که محل زیست طبیعی انواع حیوانات و گیاهان است، تغییرات اقلیمی، اثراتی بالای این حوزه‌ها خواهد داشت. کاهش باران و بلند رفتن درجه گرما در اکثر مناطق شمال، شمال شرق و حوزه‌های مرکز بیشتر علفچرها را با کاهش آب روبه‌رو کرده و زندگی

حیوانات، پرندگان و گونه‌های گیاهی را به مخاطره انداخته است. کمبود آب و فشار گرما باعث قلت تنوع گیاهی و مرگ و میر نوزادان جانوران خواهد شد که در نهایت زمینه مهاجرت را به حیوانات مساعد خواهد کرد. آمارهای ریاست حفاظت محیط زیست افغانستان ثابت می‌کند که به دلیل تغییرات اقلیمی درختان پسته و ارچه در معرض نابودی قرار داشته و حیواناتی مانند پلنگ برفی و آهو نسل‌شان در آستانه انقراض قرار دارد. افزون بر این، حوزه‌های آبی، پارک‌های ملی و محلات تفریحی به دلیل تغییرات اقلیمی، خشک‌سالی‌ها و سیل‌های فصلی در معرض تهدید قرار داشته و آسیب‌های جدی به تنوع محیط زیستی و ایکوسیستم طبیعی بار خواهد آورد. تغییرات اقلیمی نقش مهمی در خشکی اراضی افغانستان خواهد داشت که زندگی را برای انسان‌ها، حیوانات و تنوع گیاهی به خطر مواجه خواهد کرد. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۷)

۴- اثرگذاری تغییرات اقلیمی بر زراعت: تأثیرات اقلیمی بر زراعت در جهان امروز به یک فاجعه‌ی بزرگ تبدیل شده است. به دلیل تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۲۲ میلادی در حدود ۵۲ میلیون انسان در سراسر جهان در آستانه قحطی قرار داشته‌اند که این آمار در سال ۲۰۲۳ میلادی اضافه‌تر شده است. استحکام زیر بنای زراعتی شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مانند، تولید محصولات زراعتی، باغ و گلخانه، دام‌داری، پرورش زنبور عسل، تربیه ماهی و کرم ابریشم و غیره می‌شود که تغییرات اقلیم بر همه آن اثر خواهد گذاشت. (Bozanic, 2019: 157)

افغانستان یک کشور کوهستانی و زراعتی است که در حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم آن از طریق زراعت امرار حیات می‌کنند. نظر به وابستگی افغانستان به شرایط اقلیمی به ویژه باران‌های فصلی، تغییرات اقلیمی نقش تعیین‌کننده‌ای بر زراعت افغانستان خواهد داشت. بلند رفتن درجه حرارت ناشی از تغییرات اقلیمی اثرهای منفی بر حاصل برخی دانه‌ها مانند، برنج، گندم، جواری، کچالو و لیبیا دارد و نیازها مارکیت را حل نخواهد کرد. در حد معمول این دانه‌ها در درجه (۱/۲ تا ۱/۸) نمو و باردهی معیاری دارند در صورتی که درجه حرارت طبق بیش‌بینی ۲۰۵۰ تا ۲/۸ بلند برود حاصل این دانه‌ها تقلیل خواهد یافت. با کاهش میزان باران و بلند رفتن درجه حرارت، کاهش اراضی قابل کشت قطعی است. تخمین زده شده است که ۱۲ تا ۱۵ درصد از مجموع اراضی افغانستان برای زراعت ممکن است، از مجموع

فوق سالانه ۳/۵ درصد افت اراضی از سال ۱۹۷۸ میلادی به این طرف از زراعت خارج میشود که فعلا تنها ۶ درصد اراضی قابل زراعت وجود دارد. (Savage, 2009: 14).

از طرف دیگر، بخش اعظم جغرافیای زراعتی افغانستان در قسمت‌های ولایاتی غربی، جنوب غرب و قسمت‌های شمال، للمی است که تغییرات اقلیمی و خشک سالی موجب کاهش عمل کرد این محصول در این مناطق خواهد شد. در قسمت‌های شمال افغانستان نظر به خشک سالی و کاهش باران آب دریاها کم شده است که کاهش حاصل برنج را طی سالهای ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی نشان می‌دهد. نظر به گرمای زیاد علوفه‌های هرزه و خودرو در اراضی زراعتی، نمورده است که هزینه‌ای هنگفت مالی به دهاقین و سیستم زراعت بار خواهد آورد. تغییرات اقلیمی طی سالهای آینده منابع تولیدی در بخش زراعت و محیط‌زیست را با آسیب‌های گسترده روبه‌رو خواهد کرد که باعث کاهش ظرفیت‌های تولیدی، محصولات زراعتی و بحران منابع آب و خاک در این کشور خواهد شد. (Cavage, 2009: 19)

۵- فرار از دهات و اسکان در شهرها: زندگی محلی با زراعت و مالداری رقم خورده است که تغییرات اقلیمی باعث خواهد شد تا گروه‌های که معیشت آنها از زراعت و مالداری محلی تأمین می‌شود، آسیب دیده از نواحی اطراف به شهرها پناه برند. این کوچ و مهاجرت ممکن زندگی شهری را مختل نموده و چالش‌های زیادی در داخل شهرها ایجاد کنند. گفته شده است که به دلیل گرمای زیاد و خشکی آب‌های زراعتی و نوشیدنی بیشتر روستاهای افغانستان مهاجر شده و این بحران در حال تشدید است. (رحیمی، ۱۳۹۱: ۶۵)

۶- آسیب تغییرات اقلیمی بر زیرساخت‌ها: بخش اعظم سرمایه‌ملی، زیرساخت‌های عام المنفعه و مردمی است. تغییرات اقلیمی و طوفان‌های ویرانگر بادی و سیل‌های صخره‌ای آسیب زیادی به این زیر ساخت‌ها خواهد زد. فرار از دهات و اسکان در شهرهای بزرگ منجر به اسکان‌پذیری گروه‌های زیادی خواهد شد که هر کدام تقاضای جداگانه‌ای دارند و بر محیط شهری اثر بالقوه می‌گذارند. (Cavage, 2009: 12)

۷- صنعت گردشگری و اثرپذیری اقلیمی آن: عصر حاضر، قرن بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی به ویژه در عرصه‌ای گردشگری است. فهم جامعه از اینکه؛ گردشگری، منبع بسیار مناسب درآمد پولی و قابل ملاحظه‌ای در اختیار یک کشور قرار می‌دهد، باعث شده است که گردشگری مفهومی بسیار گسترده‌ی در ابعاد مختلف

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کند و به عنوان یک صنعت مهم تلقی شود. (واحدپور، ۱۳۹۰: ۸۴).

تأثیرات اقتصادی تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که در پهلوی اثرپذیری زراعت، منابع آبی، جنگلات، گردشگری نیز آسیب‌پذیر خواهد شد. (Pearch, 1996: 234).

هرچند گردشگری جای پای خوبی در افغانستان ندارد به دلیل اینکه با وجود منابع هنگفت توریستیکی و جغرافیای دیدنی، این صنعت زیر تهدید مستقیم تغییرات اقلیمی است. بیشتر زیر ساخت‌های فرهنگی و تاریخی افغانستان از تغییرات اقلیمی آسیب خواهد دید. گرم شدن هوا جذب گردشگران را در زمستان که عاشق کوه‌های نوشاخ و غیره اند به صفر تقلیل خواهد داد و حیوانات را که به عنوان جاذبه طبیعی مورد علاقه گردشگران اند در منطقه نابود خواهد کرد. (امیری، ۱۳۹۷: ۳۴)

۸- تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر صحت: حفظ و سلامت روحی و جسمی انسان‌ها در سراسر جهان و ابتکار عمل مدیریت آن توسط بخش صحتی سازمان ملل، یک سیاست جهانی است تا جهان جبهه واحد را در مبارزه با امراض روی دست گیرد. باوجود اقدامات و پیشگیری‌ها، آفت‌های صحتی سراسر جهان را تهدید می‌کند که بخش اعظم آن از آلودگی هوا نشأت می‌گیرد. امراض تنفسی، برانشیت، ملاریا و غیره به دلیل تخریب محیط زیست و کمبود آکسجن مورد نیاز، موارد اند که در این روند از تغییرات اقلیمی آسیب می‌بینند. نظر به تخمین‌های صحتی اگر درجه حرارت تا ۴/۵ درجه در سال‌های ۲۰۹۰ میلادی برسد در حدود نصف جمعیت جهان آسیب‌پذیر و به مرگ روبه‌رو خواهند شد. تغییرات کیفیت هوا، شهرنشینی سریع و کنترل نشده، تراکم جمعیت، سوخت‌های بی کیفیت و ده‌ها موارد دیگر از جمله تغییرات اقلیمی اند که بر صحت و سلامت جامعه افغانی آسیب می‌زنند. تحقیقات تازه‌ای بخش صحت سازمان ملل متحد، ابراز داشته است که ۲۷ درصد مرگ و میر در افغانستان ناشی از آلودگی هوا است. شهرهای افغانستان و بلند منزل‌های مسکونی با معیارهای ساختمانی عیار نیستند و در فصل سرماه آزاد سازی گازهای گلخانه‌ای این خطرات را تشدید می‌کند. در دهه‌های آغازین قرن ۲۱ میلادی مرض کولرا که ناشی از آلودگی آبی بود، بحران زیادی را در این سرزمین ایجاد کرده که تا هنوز خطرات بد آن دامنگیر مردم افغانستان است. بحران صحتی و سلامت جامعه افغانی بحران جدی تغییرات اقلیمی است، که باید مورد توجه قرار گیرد. (kumar, 2019: 356)

۹- کم شدن آب‌های زیر زمینی: در یک دهه اخیر به نسبت کاهش بارندگی و استفاده بی رویه آب در افغانستان، سطح آب زیر زمینی تا حدود ۱۱متر پایین رفته است. کمبود آب در شهرهای بزرگ که نیازشان توسط آب‌های شیرین چاه فراهم می‌شود یک خطر بزرگ است که تغییرات اقلیمی در افغانستان بار آورده است. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۳)

۱۰- تغییرات اقلیمی و کمبود علوفه‌ای مواشی: قبلاً مطرح شد که در حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم افغانستان از طریق زراعت و مالدارانی امرار حیات و معیشت می‌نمایند. گرمای زیاد در افغانستان، نبود باران‌های فصلی و طوفان‌های سرد و پیش‌گیرانه موارد اند که مالدارانی را در افغانستان آسیب زده است. نواحی شمال افغانستان که دارای مراتع فراوان و دشت‌های وسیع برای مواشی است طی دو سال خشک‌سالی آسیب زیادی دیده و تعداد زیادی مواشی تلف شده است. (Cevil,2023:45)

۱۱- اثرات اقلیمی بر محصولات: تغییرات اقلیمی بر میزان تولیدات و حاصلات دهاقین و زراعت تأثیر زیادی دارد. این روند نیز بر کیفیت، عوارض و خسارمندی محصول نیز تأثیر خواهد گذاشت. (Akram,2012:34)

نتیجه‌گیری

یافته تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی، نگرانی گسترده‌ای را در سطح جهان برای تمام دولت‌ها بار آورده است. افزایش فعالیت‌های صنعتی، افزایش و تراکم جمعیت، بلند رفتن درجه حرارت زمین و غیره موارد اند که به دنبال انقلاب صنعتی دامن جهان را گرفته است. افغانستان کشور است که تغییرات اقلیمی در آن به وفور دیده می‌شود. موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی این کشور از نظر میزان بارندگی سالانه خیلی مهم بوده و بیش از چند دهه می‌شود که کاهش قابل ملاحظه‌ای در مقدار بارندگی صورت گرفته است. در این مدت، خشک‌سالی‌های پی‌هم، بخش زراعت و مالدارانی را آسیب زده، جنگل‌ها و ذخائر سبز طبیعی تخریب شده، آب‌های جاری ضایع و تغییرات اقلیمی باعث شده است که مهاجرت به شهرهای داخلی و خارج کشور تشدید پیدا کند. بحران اقلیمی مردم افغانستان را بر علاوه موارد فوق دچار درگیری امراض هولناک، بحران خشک‌سالی، تغییر جمعیت شهری و ده‌ها موارد دیگر نموده است که در صورت مبارزه جدی با آن آینده افغانستان با خطری جدی و قابل برگشتی مواجه است.

پیشنهادات

به رویت یافته‌های پژوهشی که در این مقاله یافته شده است، موارد زیر را به عنوان پیشنهاد به حکومت افغانستان مطرح می‌نمایم تا اقدامات هدفمندی را روی دست گیرد تا خوبتر علیه تغییرات اقلیمی مبارزه صورت گیرد.

۱. برنامه‌های آگاهی دهی به سطح مرکز، ولایت و محلات جهت حفظ و مبارزه با تغییرات اقلیمی روی دست گرفته شود؛

۲. افغانستان دارای پنج حوزه آبی گسترده است که بخش اعظم آب‌های همسایه خود را فراهم می‌کند دولت باید تلاش نماید تا با ایجاد بندها و کانالهای آبی دشت‌ها و صحراهای خشک خود را به محیط سبز تبدیل کند؛

۳. بخش مبارزه با تغییرات اقلیمی باید جز نصاب آموزشی مکاتب و پوهنتون‌ها شود تا سطح آگاهی جمعی در راستای مبارزه با تغییرات اقلیمی بالا برود؛

۴. دولت باید در راستای ماستر پلان شهری، طرح و دیزاین شهرک‌ها و سیستم آبرسانی و کانال‌های فاضلاب برنامه‌ای معقول داشته، جدی باشد؛

۵. ریاست محیط زیست، بخش‌های تخصصی وزارت زراعت و مالداري مسئولین درجه یک در راستای حفظ و نگهداشت محیط‌های سبز و ایجاد پارک‌های ملی اند، باید در این بخش تلاش نموده و با مردم و دولت در امر مبارزه با تغییرات اقلیمی همگام باشند.

منابع

- امیری، حامد. (۱۳۹۷). «چالش‌های صنعت گردشگری در افغانستان»، فصل‌نامه علمی-تحقیقی علوم اجتماعی دانشگاه غالب، سال هفتم، شماره سوم.
- رحیمی، سردار محمد. (۱۳۹۱). ژئوپولیتیک افغانستان در قرن بیستم، کابل: انتشارات سعید.
- عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۱). در آمدی بر جغرافیای طبیعی افغانستان، تهران: انتشارات علم و دانش - خراسان.
- عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۱). اکو توریسم در افغانستان، کابل: مطبعه کاروان.
- محمد پور، مجید. (۱۳۸۵). افغانستان - فرصت‌ها و تهدیدها، تهران: انتشارات جارجمی.
- Akram,naeem.(2012). Is climate change hindering economic growth of Asian economy, vol.19,no.2,December 2012.
- Aman, fatema. (2016) water dispute escalating between Afghanistan and iran, south Asia center: Atlantic council.
- Bozanic,Danjila.(2019).study on the socio- economic aspects of climate change in Afghanistan, Belgrade: global environmental facility.
- Cavage, matthew and doughery,bill.(2009). Social-economic impact of climate change in afghanistan, London: Stockholm environment institute.
- Cevil, serhan.(2023). Eye of the storm: the impact of climate shocks on inflation and growth,paris; international monetary fund.
- Cho, renee.(2019). How climate change impacts the economy, Columbia: climate school.
- Faiz, asma.(2022). Impact of climate change shocks on economic growth, environmental economic institute, carbon press.
- J.J.M and others.(2023). Climate change and its impact on rural areas, climate risk journal. Year 2013, vol.9, 2023.
- kumar, prashant.(2013). Environmental and socio-economic impact of global climate change, banaras: india.

- Mann,e,Michael.(2020). Socio- economic consequences of global warming, London: geological time.
- Naqdi, mohammad.(2017). Impact of climate change on settlement and infrastructure,London: center for environmental research.
- Orlov,Anton.(2017). Socio. Economic consequences of climate change in Hindu-kush, Islamabad: center for international climate research.
- Parry, M.L. and others (2014). Effect of climate change on global food production,delhi: india press.
- Raw.A.B.(2009). The impact of climate change on the least developed countries,paris: world press.
- Sheva,Mehdi.(2018). Socio- economic consequences of climate change, scotland: institute of research economy.



مباحث اصولی متعلق به دلالت لفظ "امر" و تطبیقات آن در آیات استغفار در سوره‌های هود و نوح

پوهنبار امین الله حلیمی*

دپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

aminullahhalimi82@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0002-8694-7627>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهنبار رحیم الله سیرت

دپارتمنت فقه و قانون پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

rsrajbi1989@gmail.com

نویسنده

نشانی برقی

چکیده

مباحث اصولی متعلق به دلالت الفاظ یکی از مهمترین بحث‌های اصول فقه به شمار می‌رود، کتاب وسنت، نقطه مرکزی در بحث‌های اصول فقه، و حتی در تمام علوم اسلامی است، هنگامیکه انسان در تفسیر آیات قرآن کریم داخل شود و به تدبیر و بررسی آن‌ها پردازد، واضح میگردد که استغفار (طلب بخشش) متعلق در مورد امت‌های گذشته در قرآن کریم با چند نوع بیان شده است، و برای بیان نوع این خطاب‌ها ضرورت به ریشه‌یابی و توضیح آن‌ها دیده می‌شود. پرسشی اساسی که هدف تحقیق را تشکیل میدهد این است که: آیا کلمه استغفار متعلق به صیغه امر که در قرآن کریم وارد شده است متضمن مباحث اصولی است؟ از این جهت تمرکز اصلی این تحقیق ارتباط بین قرآن کریم و بین علم اصول فقه است، و این بر اساس مباحث و تطبیقات اصولی که از کتاب الله متعال استنباط شده است می‌باشد. روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده روش استقرای و کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: مباحث اصولی متعلق به لفظ "امر" استغفار در قرآن کریم جنبه تطبیقی زیاد داشته که از جمله در سوره ای هود در چهار آیه (3، 52، 61، و 90) آن کلمه استغفار بکار رفته است که استغفار در این آیات برای وجوب است. و در سوره نوح در یک آیه (10) که استغفار به صیغه ای امر در این آیه کریمه از وجوب بسوی ارشاد و توجیه انصراف داده شده است.

کلیدواژه‌ها: استغفار، اصولی، قرآن کریم، مباحث.

Jurisprudential Principles Relating to the Denotation of the Word "Command" and Its Applications in the Verses of Seeking Forgiveness in Surahs Hud and Noah

Author
Email
Orcid

Aminullah Halimi
Islamic Studies Department, Shariah Faculty,
Badakhshan University, Badakhshan
Afghanistan.
aminullahhalimi82@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0002-8694-7627>

Author
Email

Rahimullah Serat
rsrajbi1989@gmail.com

Abstract

The jurisprudential principles pertaining to the denotation of words represent one of the most significant discussions in the principles of Islamic jurisprudence. The Quran and Sunnah are central to these discussions and indeed to all Islamic sciences. When delving into the interpretation and examination of the verses of the Holy Quran, it becomes evident that the concept of seeking forgiveness (istighfar) concerning past communities is presented in various forms. To elucidate the nature of this discourse, a thorough analysis and explanation are required. The fundamental question that this research aims to address is whether the term "istighfar" associated with the imperative form in the Holy Quran entails jurisprudential discussions. Therefore, the primary focus of this research is to highlight the connection between the Holy Quran, as the Book of Allah the Almighty, and the science of the principles of jurisprudence, particularly through the lens of interpretation based on jurisprudential principles derived from the Holy Book. The methodology employed in this research is inductive and library-based. The findings of this study indicate that the jurisprudential principles related to the imperative form of "istighfar" in the Holy Quran have significant practical applications. Notably, in Surah Hud, the term "istighfar" is used in four verses (3, 52, 61, and 90), where seeking forgiveness in these verses denotes obligation. In Surah Noah, in one verse (10), seeking forgiveness in the imperative form shifts from obligation to guidance and direction.

Keywords: Discussions, Jurisprudential, Istighfar, Holy Quran

مقدمه

الحمد لله ذي العزة والجلال، والرحمة، والصلاة والسلام على محمد رسوله خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم وعلى آله وصحبه رضوان الله علیهم أجمعین.

اما بعد: بدون شک و تردید علم اصول فقه یکی از ستون اصلی و مهم در منظومه علوم اسلامی است، از جهت نیازمندی و اهمیت آن در معرفت و آشنایی اصول و قوانین اسلامی که در جهت اجرای احکام شرعی به صورت متوازن و هماهنگ با عقل دانسته شده است. از همین خاطر است که علمای متقدم و متأخر اهتمامی بیشتری به این علم داشتند، و در این عرصه از هیچ گونه زحمت و تلاش دست برنداشتند؛ در این علوم خیلی از علماء تالیف‌ها و تصنیف‌های زیادی بصورت طولانی و مختصر با ترتیب و تهذیب خیلی زیبا انجام دادند، تا اینکه یکی از بهترین علوم از جهت ارتباط به کتاب الله و سنت رسول صلی الله علیه وسلم قرار گرفته است، چون توسط همین علم خیلی از مسایل و احکام از کتاب الله و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم استفاده شده است.

تبیین مسأله

هنگامیکه انسان در تفسیر آیات قرآن کریم داخل شود با تدبیر به بررسی آن پردازد، واضح میگردد که استغفار (طلب بخشش) متعلق در مورد امت‌های گذشته در قرآن کریم با چند نوع بیان شده است، و برای بیان نوع این خطاب ضرورت به ریشه‌یابی و توضیح آن داشتیم. از جهت دیگر مشکل رکود دانشجویان علوم شرعی در تعامل با نصوص قرآنی، و کیفیت استنباط احکام از خلال مباحث اصول به خصوص مباحث‌های دلالت‌الفاظ در برخورد با متون قرآنی سردچار است. همچنان برای همگان واضح است که علم اصول فقه یکی از علوم است که منبع اصلی آن قرآن کریم بوده، بسیاری از مسایل اصولی بر گرفته شده از آیات قرآنی می‌باشد بطور مثال مباحث دلالت‌الفاظ، چنانکه خیلی از مسایل و احکام قرآن کریم بدون اصول فقه بطور واضح دانسته نمیشود، و مباحث اصولی متعلق با الفاظ استغفار و تطبیق آن از قرآن کریم متضمن مباحث متعددی است که در این بحث توجه ما در مورد الفاظ استغفار وارده به صیغه امر در سوره‌های هود و نوح است تا اینکه بحث تفسیری و اصولی قرآن کریم همراه باشند.

سوالات تحقیق

سوالات اصلی:

1. آیا کلمه استغفار متعلق به صیغه امر متضمن مباحث اصولی است؟

سوالات فرعی:

1. آیا تفسیر تاثیری بر استنباط احکام از الفاظ "استغفار" دارد؟

2. چي ارتباطی بین مباحث تفسیر و اصول فقهی نسبت به دلالت الفاظ وجود دارد؟

اهداف تحقیق

محقق می خواهد در نتیجه این تحقیق به اهداف ذیل نایل گردد:

- 1) ارتباطی که بین قرآن کریم، و علم اصول فقه وجود دارد به وضوح می رساند که در این موضوع از جایگاه خوبی برخوردار بوده، و این بر اساس مباحث و تطبیقات اصولی که از قرآن کریم استنباط شده است، نیاز بوده که یک بحث تخصصی که جمع کننده هر دو علم "تفسیر و اصول فقه" باشد.
- 2) ضمناً داخل ساختن علم اصول فقه با تطبیقات جدید آن در مباحث اصولی؛ بخصوص دلالت الفاظ که یک بحث خیلی وسیع است، و ما در این مقاله تنها لفظ استغفار که به صیغه "امر" وارد شده خواهیم پرداخت.

پیشینه ی تحقیق

در خصوص مباحث اصولی متعلق با دلالت الفاظ "امر" استغفار و تطبیق آن از قرآن کریم، تحقیقاتی خاصی صورت نگرفته است، ولی بطور پراکنده و عمومی این مباحث بیان شده است که بر حسب جستجوی نگارنده چند مورد آن را که این موضوع را بحث کرده اند ذکر می گردد:

المباحث الأصولية المتعلقة بالفاظ الاستغفار وتطبيقاتها من القرآن

الکریم: این اثر رساله علمی مرحله ماستری بوده، که مباحث اصولی متعلق به الفاظ قرآن کریم را به طور تفصیلی و عمومی بیان نموده است. صاحب این اثر جمال جدوع خشم بوده که تحت رهنمای استاد دوکتور أحمد حمید حمادی، جهت بدست آوردن ماستری خود در دانشگاه تکریت، عراق نوشته واز آن دفاع نموده است و یافته های خود را بطور عموم در

مورد مباحث اصولی متعلق به دلالت الفاظ استغفار بطور عموم وتفصیلی به زبان عربی به بحث و بررسی گرفته است. و فرقی بحث ما نسبت با این بحث این است که بحث و تحقیق ما خاص در مورد مباحث اصولی متعلق به الفاظ استغفار "امر" و تطبیق آن در آیات قرآن کریم از سوره هود و سوره نوح به زبان فارسی است.

ألفاظ الغفران في القرآن الكريم: "دراسة لغوية" این رساله ماستری بوده که توسط سحر ناجی فاضل المشهدی، تحت رهنمایی دوکتور محمد حسین علی الصغیر در سال 2008 میلادی در دانشگاه کوفه در دانشکده زبان و ادبیات عربی نوشته شده است. که محتوی اصلی آن در مورد کلمه غفران در قرآن کریم از ناحیه لغوی که دارای مباحث صرفی و نحوی بحث شده است. و فرقی بحث ما نسبت به این بحث این است که بحث و تحقیق ما خاص در مورد مباحث اصولی متعلق به الفاظ استغفار "امر" و تطبیق آن در آیات قرآن کریم از سوره هود و سوره نوح به زبان فارسی است.

با استفاده از منابع ذکر شده این مقاله سعی می نماید که استقرای الفاظ وارد شده "استغفار" که متعلق به استغفار انبیاء علیهم السلام، مخصوصاً در سوره هود و سوره نوح، و استدلال آن در مباحث اصولی است.

روش تحقیق

روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده است روش استقرائی و کتابخانه ای بوده که با استفاده از منابع مکتوب با رعایت مراحل پژوهشی علمی صورت گرفته است. در این تحقیق از مقالات، کتاب ها و رساله های علمی که در این موضوع نوشته شده اند برای غنا مندی این تحقیق استفاده شده است.

اهمیت تحقیق

از آن جا که برای همگان هوایدا و اشکار است که قرآن کریم اولین منبع برای سایر علوم شرعی است، و موضوع بحث ما متعلق به بهترین کتاب "کتاب الله" است، و بیان دلالت الفاظ استغفار که متعلق به لفظ امر و تطبیق آن از سوره های هود و نوح در قرآن کریم از حیث وضع و استعمال، و آثار اصولی و استنباط احکام از کتاب الله متعال است. بحث و بررسی مسایل اصولی بصورت خصوصی موجب فهم دقیق است که در روشنی آن مسایل و احکام شرعی استنباط می شود.

نتایج ویافته ها

1- تعریف مباحث در لغت و اصطلاح:

مباحث در لغت:

مباحث جمع مبحث بوده که مصدر آن بحث است و بحث بمعنی جستجو و جستار، و کاوش و تفتیش است، و هدف اینجا سوال کردن است، چنان که گفته میشود این کتاب دارای مباحث است یعنی درای مسایل است. (عمر، 2008م، 162/1).

مباحث در اصطلاح:

" هو الذی تتوجه فیہ المناظرۃ بنفی أو اثبات"، (جرجانی، 1983م، 197)، آنچه در مناظره به نفی و اثبات در آن توجه کنند.

از تعریف های فوق واضح شد هدف از مباحث همان مسایل است که در مناظره های جهت اثبات و نفی یک چیز بحث شود.

2- تعریف لغوی و اصطلاحی اصول:

نبت اصول در این جا به علم اصول فقه است، با این وجه با دو اعتبار قابل تعریف است:
اول: از لحاظ مرکب اضافی بودن: با این اعتبار از دو کلمه ای "اصول و فقه" ترکیب شده است.

اصول جمع "اصل" است و اصل در لغت چیزی است که چیزی دیگری بر آن بنا می شود، خواه این بنا حسی باشد و یا عقلی.

و در اصطلاح: بر چندین معانی اطلاق شده است از جمله بهترین آنها: راجح، مستصحب، قاعده و دلیل (زیدان، 1396 هـ، 4) چنانکه امام آمدی گفته است: " اصول الفقه هی أدلة الفقه" (آمدی، ب.ت، 7/1)، اصول فقه همان دلیل فقه است، بناء بر این تعریف نزدیک ترین معنا به تعریف لغوی همان دلیل و یا قاعده کلی است.

اما فقه در اصطلاح: " هو العلم بالأحكام الشرعية العملية المكتسب من أدلتها التفصیلة"، (جرجانی، 1983م، 168). فقه عبارت است از علم به احکام شرعی عملی به دست آمده از ادله تفصیلی آن.

از تعریفات فوق دانسته شد که مراد از اصول فقه در لغت همان اساس فهم دقیق است، و در اصطلاح معرفی ادله مجمل، و کیفیت استفاده از آن است.

دوم: به اعتبار اینکه لقب و نام برای علم اصول فقه است: عبارت است از علم به قواعد و ادله ای اجمالی که در استنباط فقه از آن ها استفاده می شود. (زیدان، 1396هـ:ق: 8).

3- تعریف دلالت در لغت و اصطلاح:

دلالت در لغت: بمعنی نشان دادن چیزی و رهنمای و هدایت است. (ابن فارس، 259/2: 1979).

دلالت در اصطلاح: به حالتی در یک شی اطلاق می گردد که سبب علم به شیء دیگر می گردد، شیء اول را دال و شیء دوم را مدلول گویند. (جرجانی، 1983م: 104). بنا بر این حتما باید میان دال و مدلول یک نوع رابطه و تلازم وجود داشته باشد.

4- تعریف الفاظ در لغت و اصطلاح:

الفاظ در لغت: جمع لفظ، معنی دور انداختن و پرتاب کردن است خواه به واسطه دهن باشد یا چیز دیگر. (ابن فارس، 1979م، 259/5).

لفظ در اصطلاح: به اصواتی که از دهن بیرون می آید گفته می شود، خواه دارای معنا باشد یا نباشد. (جرجانی، 1983م، 192).

5- تعریف استغفار در لغت و اصطلاح:

استغفار در لغت مشتق از "عفر" بمعنی پوشاندن است، و معنی استغفار آمرزش خواستن، مغفرت طلبیدن و توبه کردن است. (ابن فارس، 1979م: 385/4).

و در اصطلاح: عبارت از استقلال و اشتیاق به کارهای خیر، و فروانی کاری های بد و دوری جستن از آنها است. (جرجانی، 1983: 18).

مباحث اصولی متعلق به "امر" و تطبیقات آن در آیات استغفار در سورهای هود و نوح.

قبل از آغاز به بیان آنچه که متعلق به تطبیقات امر بر آیات استغفار است، ضروری است که معنی و مفهوم امر را جهت آشنایی قواعد و اصول آن را بدانیم.

1- تعریف امر در لغت و اصطلاح:

امر در لغت: مصدر امر، بمعنی فرمودن، دستور دادن، و ضد نهی است که جمع آن اوامر است، و معنی امر در اینجا ضد نهی است. بناء بر آنچه قبلا گفته شد امر عبارت از طلب کردن است. (ابن فارس، 1979م: 137/1).

امر در اصطلاح: علمای اصول از امر تعریف های متعددی کردند از جمله:

أ. شخصی به ما تحت خود بگوید: این کار را انجام بده. (جصاص، 1994م: 79/2).

ب. طلب کار امر داده شده و اراده وقوع آن. (الشاطبی، 1997م: 369/3).

ت. امر لفظی است که برای خواست انجام فعل به شیوه‌ی استعلاء و برتر دلالت می‌کند. (آمدی، 1979م: 204/2).

بنا برین طلب فعل، با صیغه‌ی معروف امر، یعنی "افعل" یا با صیغه‌ی مضارع مقترن به لام امر یا با جمله‌ی خبری‌ای که مقصود از آن امر و طلب است صورت می‌گیرد (زیدان، 1396هـ: 299).

2. **صیغه‌های امر:** صیغه‌های امر چهار است: (زرکشی 1994م: 274/3).

1. فعل امر است به صیغه‌ی "افعل" مانند این قول الله متعال: ﴿وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 90].

از پروردگارتان آمرزش (گناهان خود را) بخواهید.

2. اسم برای فعل امر است مانند: صه "یعنی سکوت کن".

3. مضارع مقرون به لام امر مانند: "لِيُقِم".

4. مصدری که قایم مقام برای فعل امر است مانند این قول الله متعال: ﴿فَتَحْرِيرُ

رَقَبَةٍ﴾ [المجادلة: 3].

باید بنده‌ی را آزاد کنند.

3. **معانی امر:** صیغه‌های امر به چندین معانی استعمال شده‌اند که بعضی آن را برپانزده

معنی استعمال کردند، و بعضی به بیست و شش معنی، و بعضی به بیشتر از سی معنی استعمال کرده‌اند. (زرکشی، 275/3). و از جمله‌ی این معانی:

1 - "ایجاب" است مانند این قول الله متعال: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ [البقرة: 43].

و نماز را برپا دارید.

2 - مندوب است مانند این قول الله متعال: ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا

﴾ [النور: 33].

اگر خیر (و صلاحیت بر پای خود ایستادن در زندگی آزاد و امانت در پرداخت اقساط بازخرید) در ایشان سراغ دیدید، (در راه آزادی کمکشان کنید) و خیلی از معانی دیگری که در صیغه های امر قابل استعمال هستند چون: مباح مانند این آیه کریمه که میفرماید:

﴿وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا﴾ [المائدة: 2].

چون از احرام بیرون آمدید، شکار کنید. تهدید، مانند این آیه که می فرماید: ﴿اعْمَلُوا مَا سَأَلْتُمْ﴾ [فصلت: 40].

هرچه می خواهید بکنید. ارشاد مانند این آیه کریمه که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ﴾ [البقرة: 282].

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه به همدیگر تا سر مدت معین وامی دادید، آن را بنویسید" وغیره.

4. مباحث اصولی متعلق به قاعده: "الأمر يقتضى الوجوب" و تطبیقات آن در آیات استغفار.

قبل از آغاز در تطبیقات این قاعده بر آیات استغفار لازم است که در مورد مجرد امر از قرائن نظر علما را بیان کنیم که آیا این قاعده در وجوب حقیقی است و در دیگران مجاز؟ چون صیغه ی امر دارای معانی زیاد در نصوص وارد شده است، در مورد معنایی که به صورت حقیقی از امر مراد باشد میان علما اختلاف نظر پدید آمده و به عبارت دیگر، علما در مورد معنای وضع شده برای صیغه ی امر خالی از قرینه ها دال بر معنای حقیقی، با هم اختلاف نظر دارند که قرار زیر بر چهار قول اختلاف نمودند:

قول اول: صیغه امر در وقت خالی بودن از قرینه ها دال بر وجوب بر صورت حقیقی است، و در دیگر معنی ها مجاز است، و این نظر جمهور اصولیین است. (جصاص، 1994م: 87/2، الزرکشی، 1994م: 286/3).

قول دوم: صیغه امر در وقت خالی بودن از قرائن دال بر مندوب به صورت حقیقت است، و در دیگر معانی مجاز است، و این قول امام شافعی، و اکثر معتزلی ها است. (زرکشی، 1994م: 3289/3).

قول سوم: صیغه امر در وقت تجرد از قرائن دال بر اباحت به صورت حقیقی است، و در دیگر معانی مجازی است، و این قول بعضی شافعی‌ها و بعضی معتزلی‌ها است. (زرکشی، 1994م: 290/3).

قول چهارم: تا وقتی پیدا شدن دلیل و یا قرینه بر هدف باید توقف کرد، و این قول بعضی از اصولیین مانند باقلانی و امام غزالی است. (غزالی، 1993م: 206، باقلانی، 1998م: 15/2).

بعد از ذکر اقوال علما اصول در مورد صیغه امر که مجرد از قرائن باشد به ذکر دلایل جمهور اصولیین اکتفا می‌کنیم زیرا اینکه قول آنها نظر به دلایل شان صحیح و حق است، هر کسی که طالب معلومات اضافی است باید به کتاب‌های اصول فقه مراجعه کند، و دلایل آنها قرار ذیل ذکر می‌گردد:

دلیل اول: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: 36].

هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد). هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد. این دلالت بر وجوب می‌کند از دو جهت: اول: نفی اختیار است که مقتضای آیت است، و کسی که قایل بر اباحت و مندوب بودن است که هر دویشان یکجا اثبات می‌شود و این بر خلاف مقتضای این آیه کریمه است، و دوم: الله متعال کسی را که امر را ترک می‌کند عاصی نامیده است، و عصیان و نافرمانی بجز از ترک واجبات نمی‌باشد بناء دلالت بر این می‌کند امر برای وجوب است. (جصاص، 89/2: 1998).

دلیل دوم: به این آیه کریمه استدلال کردند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ [المرسلات: 48].

وقتی بدانان گفته می‌شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش بپسندید خضوع نمی‌کنند و کرنش نمی‌برند!، الله متعال نسبت به ترک فعل امر اش آنها را مذمت کرده است پس این دلالت می‌کند که امر مجرد از قرائن دلالت بر وجوب می‌کند؛ زیرا اینکه مذمت نمی‌باشد بجز از ترک کار امر شده به انجام آن، (النملة، 3/1337: 1999).

دلیل سوم: در قرآن کریم آمده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلایی گریبان گیرشان گردد یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود. وجه استدلال به این هم آن است که سیاق آن برای بر حذر داشتن مردم از مخالفت با امر است و گفته که مخالف با امر گرفتار بلا یا عذابی دردناک می‌گردد و بدیهی است که فقط وقتی در مخالفت با خوف بلا و عذاب وجود دارد که چیزی امر شده به آن واجب باشد، زیرا در ترک غیر واجب محذوریتی وجود ندارد. (زیدان: 1396: 302).

بعد از ذکر اقوال اصولیین در امر مجرد از قرائن و آنچه بر دلالت کند، آغاز به تطبیقات این قاعده بر آیات استغفار می‌کنیم.

تطبیق اول: وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ. [هود: 3].

و این که از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او برگردید که خداوند (به سبب استغفار صادقانه و توبه مخلصانه) شما را تا دم مرگ به طرز نیکویی (از مواهب زندگی این جهان) بهره مند می‌سازد، و (در آخرت برابر عدل و داد خود) به هر صاحب فضیلت و احسانی (پاداش) فضیلت و احسانش را می‌دهد. اگر هم پشت بکنید (و از ایمان به یزدان و طاعت و عبادت خداوند رحمن روی بگردانید، بر رسولان پیام باشد و بس) من بر شما از عذاب روز بزرگی (که روز قیامت است) بیمناکم. وَيَقَوْمُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ

ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ [هود: 52].

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش (گناهان و لغزشهایتان) را بطلبید و به سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده و بارنده کند (و باران و برکات آن را بر شما پیاپی و فراوان گرداند) و نیروئی بر نیرویتان (و عزت و شکوهی بر عزت و شکوهتان) بیفزاید. (ای قوم من! از حق و حقیقت) بزهکارانه روی برتنباید (و بر گناه مصمم و مصرّ نشوید).
وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَسْلَمُوا لَمْ يَمَسُّهُمُ الْكُفْرُ الْكَرِيمُ إِنَّهُمْ عَلَىٰ الْحَقِّ الْمُبِينِ [هود: 61].

به سوی قوم نمود یکی از خودشان را (به عنوان پیغمبر) فرستادیم که صالح نام داشت. (به آنان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد) و کسی غیر او مستحقّ پرستیدن نمی باشد. او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره وری و بهره برداری از آن را به شما عطا و در شما پدید آورده است). پس، از او طلب آمرزش (گناهان خویش) را بنمائید و به سوی او برگردید (و با انجام عبادات و دوری از منکرات، مغفرت و مرحمت او را بخواهید و بدانید که اگر در این کار صادق باشید، خداوند شما را در می یابد و دعای شما را می پذیرد). بیگمان خداوند من (به بندگانش) نزدیک (است و استغفار و انگیزه استغفارشان را می داند) و پذیرنده (دعای کسانی) است (که او را مخلصانه به زاری می خوانند و به یاریش می طلبند). 61، وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ. [هود: 90].

از پروردگارتان آمرزش (گناهان خود را) بخواهید و بعد (از هر گناه و لغزشی که در زندگی مرتکب می شوید پشیمان شوید و) به سوی او برگردید. بیگمان پروردگار من بسیار مهربان (در حق بندگان پشیمان و) دوستدار (مؤمنان توبه کار) است.

وجه دلالت این آیات: ﴿وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 3]، ﴿وَيَوْمَ أَسْتَعْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 52]، ﴿فَأَسْتَغْفِرُوهُ﴾ [هود: 61]، ﴿وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾ [هود: 90].

از قواعد اصولی که علما اصول ذکر کردند: "مطلق الأمر للوجوب ومطلق النهي للتحريم"، (الشاطبي، 1/24: 1997).

جمهور علما اصول بر این قایل اند که امر مطلق افاده وجوب را می کند، زیرا اینکه ترک امر صورت گرفته گناهکار قرار داده شده، و برای گناهکار وعید است نظر به این آیه کریمه: ﴿وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ [الجن: 23].

هر کس از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند، نصیب او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می ماند، پس وعید برای ترک امر دلیل وجوب است، واینکه مخالف امر مستحق مذمت است چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ [المرسلات: 48].

وقتی بدانان گفته می شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و سر فرود آورید خضوع نمی کنند و سر فرود نمی آورند!، پس این جا نسبت مخالفت امر مستحق مذمت شدند که این خود دلالت بر معنی وجوب می کند، اگر سوال شود که این مذمت و وعید برای ترک کار امر شده از کجا دانسته می شود؟ و اگر این را بپذیریم از کجا بدانیم مطلق امر دلالت بر وجوب میکند؟ جواب این است که از مرتب شدن مذمت و وعید در نفس مخالفت امر به صورت مطلق است، (حمادی، 2022: 386)، از آنچه که گذشت به وضوح دانسته می شود که استغفار وارده در این آیات واجب می باشد؛ برای عدم موجودیت قرینه‌ی که از وجوب بر گرداند، و امر به استغفار در این آیات مطلق است، و امر به استغفار اینجا در معرض طلب از مشرکین است؛ زیرا طلب از مومن و کافر مختلف است، و توجیه آن این است که هرگاه مغفرت به خطاب کفار وارد شود مرتب بر ایمان است، و هرگاه خطاب برای مومنان باشد سفارش برای اطاعت و اجتناب از معاصی و امثال آن است، (آلوسی، 1995م: 79/15). از این جهت استغفار بر توبه مقدم دانسته شده؛ زیرا معنی توبه عبارت از رجوع بسوی الله متعال توسط اعمال صالح است، و اما استغفار: طلب آمرزش از شرک

شان به الله متعال است، عمل و یا انجام فعل برای الله متعال است اگر شرک را ترک نکند عمل شان قابل قبول نیست، زیرا در موجودیت شرک عمل شان برای شیطان محسوب می گردد، از این جهت الله متعال آنها را به توبه بعد از استغفار از شرک امر کرده است، (طبری، 2000م: 229/15)، بناء برای ما وضع شد که استغفار در این آیات برای وجوب است؛ زیرا وی خطاب برای کافران است که استغفار در حق شان واجب می گردد.

تطبیق دوم: این آیه کریمه است: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ [نوح: 10]. و برای آنها گفتم: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است (و شما را می بخشد).

وجه دلالت این آیه کریمه ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾.

اصولی ها بر این نظر اند که صیغه "امر"، برای معانی فراوان چون وجوب، مندوب، تهدید، و مباح مشترک است، و اینکه بلند ترین درجه امر عبارت از وجوب است، و گاهی برای مندوب و یا مباح استفاده می شود، ولی براساس قرینه برگرداننده برای آن "وجوب" است بنا از استعمالات امر این است که گاهی برای توجیه و ارشاد استفاده شده است، (غزالی، 1993م: 204، زرکشی، 1994م: 262/3)، و از قواعد اصولی که در این باب دلالت دارد این قاعده است: "أدنی درجات الأمر هي الندب أو الإباحة" (سرخسی، 1993م: 127/8؛ کاسانی، 1986م: 134/4)، بنا بر آنچه گذشت امر در این آیه کریمه از وجوب بسوی ارشاد و توجیه انصراف داده شده است؛ برای ارشاد نوع علیه السلام قومش را برای استغفار، ریرا وی موجب برکت و زیادتی است، پس قرینه موجوده اینجا امر را از وجوب به ارشاد انصراف داد، چنانکه طنطاوی رحمه الله گفته است: "من برای شان گفتم - بر سبیل نصیحت و ارشاد که سبب منفعت شان گردد و آنها را آمده به اطاعت بسازد - که توسط استغفار و آموزش به پروردگار تان رجوع کنید، و از کفر و فسق خود دست بکشید - زیرا الله متعال بسیار بخشنده است". (طنطاوی، 1997م: 116/15).

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله بحث، بطور مختصر قرار ذیل نتیجه گیری می نمایم:

یکی از منابع مهم علم اصول فقه قرآن کریم بوده که در تمام بخش‌های اصولی کار آمد بوده که مهمترین بخش آن تطبیق قواعد اصولی است که توسط آیات قرآن کریم ما یک بخش کوچک آن را اینجا به بررسی گرفتیم.

در قرآن کریم الفاظ استغفار در جاهای متعددی وارد شده است که بمعنی ستر و پوشیدن است، که بالخصوص کلمه استغفار با صیغه امر در چند جا وارد شده که داری مباحث اصولی است، نظر به قاعده کلی "الأمر یقتضی الوجوب" اصولی‌ها در امر خالی از قرائن که آیا آن به یکی از معانی حقیقی دلالت می‌کند؟ و یا بیشتر از یکی معنی، اختلاف نمودند: نظر جمهور این است که صیغه امر در وقت خالی بودن از قرائن دال بر وجوب به صورت حقیقی است، و در دیگر معانی مجاز است.

لفظ استغفار بر زبان تمام انبیاء علیهم السلام، و تمام امت‌ها وارد شده است، مخصوص یک امت نیست، و آن بخشی از عباداتی است که انبیاء علیهم السلام امت‌های شان را بر آن امر کرده‌اند.

مباحث اصولی متعلق به لفظ "امر" استغفار در قرآن کریم جنبه تطبیقی زیاد داشته که از جمله در سوره‌ای هود در چهار آیه (3، 52، 61، و 90) آن کلمه استغفار بکار رفته است که استغفار در این آیات برای وجوب است. و در سوره نوح در یک آیه (10) که استغفار به صیغه‌ای امر در این آیه کریمه از وجوب بسوی ارشاد و توجیه انصراف داده شده است.

منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، أحمد بن زكرياء القزويني الرازي. (1979م). معجم مقاييس اللغة. تحقيق: عبد السلام محمد هارون. بيروت: دار الفكر.
- ألوسي، محمود بن عبد الله الحسيني شهاب الدين. (1995م). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. تحقيق: علي عبد الباري عطية. بيروت: دار الكتب العلمية.
- آمدى، علي بن علي بن محمد سيف الدين أبو الحسن. (ب.ت). الإحكام في أصول الأحكام. تحقيق: عبد الرزاق عفيفي. بيروت: المكتب الإسلامي.
- باقلاني، محمد بن الطيب بن محمد بن جعفر القاضي أبوبكر. (1998م). التقريب والارشاد (الصغير). تحقيق: عبد الحميد بن علي. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- جرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف. (1983م). كتاب التعريفات. تحقيق: جماعة من العلماء باشراف الناشر. بيروت: دار الكتب العلمية.
- جصاص، أحمد بن علي الرازي. (1994م). الفصول في الأصول. كويت: وزارة الأوقاف الكويتية.
- حمادي، أحمد حميد. (2022م). الصلاة على النبي (ﷺ) بين المنظوم والمفهوم دراسة تأصيلية. مجلة العلوم الاسلامية، ج 13.
- زركشى، محمد بن عبد الله بن بهادر بدر الدين. (1994م). البحر المحيط في أصول الفقه. بيروت: دار الكتب العلمية.
- زيدان، عبد الكريم. (1396). الوجيز در اصول فقه. مترجم: دكتور فرزاد پارسا. سنندج: انتشارات كردستان.
- سرخسى، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (1993م). المبسوط. بيروت: درا المعرفة.
- شاطبي، ابراهيم بن موسى بن محمد. (1997م). الموافقات. تحقيق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان. الرياض: دار ابن عفان.
- طبرى، محمد بن جرير بن يزيد أبو جعفر. (2000م). جامع البيان في تأويل القرآن. تحقيق: أحمد شاکر. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- طنطاوى، محمد سيد. (19197م). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع.
- عمر، أحمد مختار عبد الحميد. (2008م). معجم اللغة العربية المعاصرة. بيروت: عالم الكتب.
- غزالي، محمد بن محمد الطوسي أبو حامد. (19913م). المستصفى. تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافى. بيروت: دار الكتب العلمية.

کاسانی، ابوبکر بن مسعود بن احمد الحنفی. (1986م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. تحقیق: ادار
الکتب العلمیة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
نملة، عبد الکریم بن علی بن محمد. (1999م). المهذب فی علم أصول الفقه المقارن (تحریر لمسائله
ودراستها دراسة نظریة تطبیقیة). الرياض: مکتبة الرشد.



مدیریت محیط زیست از نظر اسلام

پوهنمل محمد قاسم رشیدی

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون بدخشان، بدخشان افغانستان

Qaseemrashidi2019@gmail.com

orq/0009-0005-2742-3948

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

محیط زیست انسانی عبارت است از مجموعه عوامل طبیعی و مصنوعی و اجتماعی که در اطراف او وجود دارد و بر زندگی اش تاثیر می گذارد و از او تاثیر می پذیرد. الله متعال زمین، آب، هوا و دیگر پدیده های طبیعی را برای رفاه و آسایش بشر آفریده، تا انسان از یک سو مطابق قانون طبیعی کون و شرع در آن ها تصرف نماید، و از طرف دیگر باید از آن ها پاسداری کند. هدف این تحقیق بازیابی راه حل چالش های محل زیست در روشنی آموزه های دینی می باشد. زیرا در شرایط کنونی، استفاده بی رویه از طبیعت و عدم رعایت قوانین اخلاقی و طبیعی آن، بشریت را در پرتگاه سقوط قرار داده و محیط زیست را با بحران خطرناکی مواجه ساخته است. در این تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه استفاده صورت گرفته است. با این حال، محیط زیست ابعاد گسترده ای دارد که بحث روی تمام جوانب آن ممکن نبوده، بناء بحث خود را روی سه نقطه کلیدی که مدیریت زمین، آب و هوا می باشد، متمرکز نموده ام. با بررسی متون دینی به این نتیجه رسیدم که اگر آیات و احادیثی که در زمینه ی حفظ و مراقبت از محیط آمده اند، به صورت درست با زخوانی و تطبیق شوند بدون شک مشکل بنیادی نه تنها جامعه ی اسلامی، که از همه ی بشریت حل خواهد گردید، زیرا اصول اخلاقی و عقیدتی در این زمینه نقش کاملاً ملموس، فراگیر و قابل ملاحظه ای دارند.

کلیدواژه ها: مدیریت، محیط زیست، اسلام، انسان.

Environmental Management from an Islamic Perspective

Author

Muhammad Qasem Rashidi

[Islamic Studies Department, Shariah Faculty,
Badakhshan University, Badakhshan
Afghanistan

E-mail

Qaseemrashidi2019@gmail.com

Orcid

[orq/0009-0005-2742-3948](https://orcid.org/0009-0005-2742-3948)

Abstract

The human environment consists of a collection of natural, artificial, and social factors that surround an individual, influencing their life and being influenced by them in return. Almighty Allah created the earth, water, air, and other natural phenomena for the comfort and well-being of humanity. On one hand, humans are to interact with these resources in accordance with natural laws and religious principles, and on the other hand, they are obliged to safeguard them. The aim of this research is to explore solutions to the challenges facing human habitats in light of religious teachings. In the current context, the reckless exploitation of nature and the failure to observe its ethical and natural laws have led humanity to the brink of catastrophe, placing the environment in a dangerous crisis. This study employs a descriptive-analytical method, utilizing library-based tools. However, given the vast scope of environmental issues, it is not feasible to address all dimensions comprehensively. Therefore, I have focused my discussion on three key areas: land, water, and air management. Through an examination of religious texts, I have concluded that if the verses and hadiths concerning environmental preservation are properly revisited and implemented, the fundamental problems facing not only Islamic societies but humanity as a whole will undoubtedly be resolved. This is because ethical and theological principles play a profoundly significant, pervasive, and observable role in this matter.

Keywords: Management, Environment, Islam, Humanity.

مقدمه

خداوند متعال، انسان را در زمین برای بندگی خود آفریده و طبیعت را مسخر او ساخته است تا از آن به صورت قانون- مند استفاده کند. تمام فراورده‌های زمین در اختیار انسان قرار داده شده و مدیریت آن‌ها نیز به عهده‌ی او گذاشته شده است. یکی از مکلفیت‌های انسانی و اخلاقی بشر، حفاظت از نظام خلقت و شگوفایی محیط زیست (خاک، آب و هوا) است. اما استفاده‌ی بی‌رویه از محیط زیست، استهلاک سرسام‌آور منابع طبیعی، تاسیس کارخانه‌جات تولیدات صنعتی، ذوب شدن یخچال‌ها، گرمی رو به افزایش زمین، تخریب لایه‌های ازن، بیابانی شدن زمین‌های مزروعی، آلودگی هوا و کمبود آب‌های صحی و مسایل از این قبیل، چالش‌هایی را در برابر تداوم زندگی بشر قرار داده است. دقیقاً این همان چیزی که در قرآن کریم به نام «فساد فی الأرض» یاد شده است که باید از آن جلوگیری شود.

تبیین مسأله

یقیناً گرم شدن کره‌ی زمین، کمبود آب‌های مورد نیاز، قطع سرسام‌آور جنگلات، تخریب زمین و آلود ساختن هوا و آب، به معضل بزرگ و حل ناشدنی تبدیل شده است. بنا به آمارهای سازمان ملل، در کمتر از دو قرن با مصرف سوخت‌های فسیلی و نابود شدن جنگل‌ها، مقدار کل کاربن دای اکساید در اتمسفر به میزان 25% بالا رفته است. اکنون بشر به این حقیقت پی برده است که فعالیت بی‌رویه‌ی انسان می‌تواند بقای انسان را در کره‌ی زیر سوال ببرد، زیرا آلودگی محیط زیست مثل آتشی است که هیزم تر و خشک گناهکاران و غیر گناهکاران را باهم می‌سوزاند، بنابراین لازم است تا تمامی ساکنان کره زمین برای توسعه پایدار و جلوگیری از تخریب محیط زیست و آلودگی، مشارکت فراگیر و هماهنگ داشته باشند. نقش مسلمانان در این بحران فراگیر بشری چه گونه است و دین مقدس اسلام در این زمینه چه راه حل‌هایی در پیش روی ما قرار می‌دهد، موضوع محوری این تحقیق است

سوالات تحقیق

1- محیط زیست در قرآن کریم، سنت نبوی و فقه اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟

2- آیا دین مقدس اسلام در زمینه‌ی «مدیریت محیط زیست»، برنامه و دستور العمل‌هایی دارد؟

اهداف تحقیق

- رعایت اصول و آدابی که دین مقدس اسلام در زمینه‌ی مدیریت محیط زیست، وضع نموده است.

- جلوگیری از آلودگی محیط زیست مطابق اصول اخلاقی، اعتقادی و راهکارهای شرعی.

- بیرون رفتن از چالش‌هایی که به سبب آلودگی آب وهوا، فرا راه جامعه بشری - به ویژه کشورهای اسلامی - قرار گرفته است

روش تحقیق

در این مقاله از روش تحلیلی- توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است. احادیث مربوط به موضوع از کتاب‌های حدیث جمع آوری و دسته بندی شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته اند. به همین گونه تلاش صورت گرفته تا آیات و احادیث ترجمه‌ی دقیق شوند.

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع، کتاب‌ها و مقالات فراوانی در این زمینه به زبان‌های مختلف نوشته شده است که این چند کتاب در دسترس بنده بودند: اسلام و محیط زیست از (نورالدین امرأ، 1394هـ) اصول اخلاقی محیط زیست از (حمید فغفور مغربی، 1388هـ) نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از (علیرضا الماسوندی، 1401هـ). اما نوشته‌های فوق، هرکدام به یکی از بخش‌های موضوع پرداخته اند. به طور مثال حمید فغفور تنها اصول اخلاقی محیط زیست را مورد بررسی قرار داده است، به همین گونه ماسوندی فقط نقش اعتقادات در مدیریت محیط زیست را به بررسی گرفته است، در حالی که نورالدین امرأ به نقش عقاید و اخلاق در محیط زیست هیچ اشاره‌ای نداشته، بناء من خواسته‌ام موضوع را به صورت جامع‌تر مورد بررسی قرار دهم.

اهمیت تحقیق

اهمیت پرداختن به طبیعت آنجا آشکار می‌شود که یکی از قوی ترین ادله در اثبات وجود خداوند، اقتباس شده از محیط زیست و نظم موجود در طبیعت است که منجر به شکل‌گیری برهان نظم می‌گردد. شرنوشت بشر با محیط زیست گره خورده است، بناء اگر محیط

زیست مدیریت نشود، بستر زندگی انسان نیز برچیده خواهد شد. بناء پرداختن به محیط زیست، شناسایی مشکلاتی که سبب آلودگی محیط زیست می‌گردد و یافتن راه حل آن، در حقیقت پرداختن به سرنوشت خود انسان است.

نتایج ویافته ها

تعریف علمی محیط زیست

محیط زیست در معنایی که امروزه به کار می‌رود؛ در بسیاری از زبان‌ها، اصطلاحی نو و تازه است. کاربرد آن در زبان فرانسه به قرن دوازدهم باز می‌گردد. این اصطلاح از آغاز ده‌شصت کاربردی مستمر و مؤثر پیدا کرده و در خلال همین دهه کلمات جدیدی برای بیان این مفهوم، در زبان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. این امر نشان از سابقه‌ی تقریباً 30 سال توجه بخش عظیمی از جهان، به طور همزمان، نسبت به پدیده‌ای تازه است که پیش روی جهان مدرن قرار دارد. مفهوم لغوی (Environment) محیط است که اصطلاحاً برای مفهوم محیط زیست به کار گرفته است. محیط زیست، به تمامی محیطی اطلاق می‌شود که نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. به زبان ساده محیط زیست عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آب‌زیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر، یاده که شامل کوچه، خیابان، ساختمان و غیره می‌شود محیط زیست انسانی نیز عبارت است از؛ مجموعه عوامل طبیعی و مصنوعی و اجتماعی که در اطراف او وجود دارد و بر زندگی اش تاثیر می‌گذارد و از او تاثیر می‌پذیرد. (الماسوندی، 1351: 5).

تقسیم محیط زیست: محیط زیست انسانی به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف: محیط زیست طبیعی که شامل قسمتی از فضای کره زمین است که به دست بشر ساخته نشده است، مانند کوه، جنگل، دریا. محیط زیست طبیعی به دو بخش تقسیم می‌شود:

1- بی‌جان؛ مانند آب، هوا، خاک و غیره.

2- محیط زیست جان‌دار، مانند گیاهان، حیات وحش و غیره.

ب: محیط زیست مصنوعی: این بخش، قسمتی از محیط زیست را شامل می‌شود که به دست بشر ساخته شده است. به طور کلی، شهرهای ما با تمام محتوای شان محیط زیست

مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند، خانه‌ها، مدارس، فرودگاه‌ها، کارخانه‌ها و... همگی از اجزای محیط زیست مصنوعی به شمار می‌روند. فرم و شکل محیط زیست مصنوعی حاصل نیروی فکر جامعه است و از آن می‌توان به عنوان شاخصی برای شناخت طرز تفکر و فرهنگ هر جامعه بهره جست؛ بر پایه‌ی همین استدلال می‌توان از طریق بررسی تمیزی یا آلودگی ی که شهر به کیفیت فرهنگی مردم آن شهر و میزان اهمیتی که برای بهبود کیفیت شرایط زندگی خود قایل هستند، پی برد.

چ: محیط زیست اجتماعی: همه انسان‌های اطراف ما اعم از خانواده، همسایه، همکار و... محیط زیست اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند. این بخش از محیط زیست، دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا زندگی انسان یک موجود اجتماعی است که در سایه‌ی ارتباط با دیگران مفهوم پیدا می‌کند (الماسوندی، 1401: 36).

طبیعت در جهان بینی اسلامی

کار و تلاشی که در جوامع بشری پیرامون طبیعت صورت گرفته، بر دو نوع جهان بینی استوار است: یکی جهان بینی الهی و دیگری جهان بینی مادی، که این دو نوع جهان بینی، خود باعث دو طرز تفکر و در نتیجه، دو گونه برخورد با محیط زیست می‌شود؛ زیرا جهان بینی مادی بر این اعتقاد است که طبیعت، فاقد شعور است و می‌توان هر گونه دخل و تصرفی در آن نمود. کسی می‌تواند در این عرصه موفق شود که بیشترین بهره را از طبیعت ببرد و با توانایهای علمی و فن آوری‌های جدید، محیط را مقهور خود نماید، این در حالی است که در جهان‌بینی الهی، نه تنها طبیعت فاقد شعور نیست، بلکه موجودی هوشمند و نشانه از نشانه‌های الهی شمرده می‌شود: **{تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا}** [الإسراء: 44]

ترجمه: آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند همگی، تسبیح خدا می‌گویند و بلکه هیچ موجودی نیست مگر این که حمد و ثنای وی می‌گویند، ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید بی‌گمان یزدان بس شکیبیا و بخشنده است.

قرآن کریم، مالکیت همه اشیا را از آن خداوند متعال دانسته و مالکیت انسان نسبت به اموال مالکیت قراردادی است که از سوی خداوند متعال به افراد، به عنوان امانت تفویض شده است، مانند مالکیت انسان بر اعضای بدن خود، درآیات متعددی تصریح شده است که

همه موجودات که در آسمان‌ها هستند و از محدوده‌ی علم بشر پنهان و آنچه در زمین است و آنچه بین آن‌ها است و آنچه در اعماق زمین است از آن خدا است و مالک حقیقی آن‌ها، الله متعال می‌باشد. پس ما در محیطی زندگی می‌کنیم که خدای عالم، خالق و مالک و حاکم آن است و هدایت و تربیت عالم نیز به عهده‌ی او است. در قرآن کریم آمده است:

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آل عمران: 189].

ترجمه: و ملک آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و خدا بر هر چیزی توانا است. اهمیت پرداختن به طبیعت آنجا آشکار می‌شود که یکی از قوی‌ترین ادله در اثبات وجود خداوند، اقتباس شده از محیط زیست و نظم موجود در طبیعت است که منجر به شکل‌گیری برهان نظم می‌گردد. حکمای مشا از مشاهده افعال متکثر و هماهنگی که در گیاهان و حیوانات است و مستند به اجزای و عناصر مادی خاص درون گیاه یا حیوانی است، نفس حیوانی یا گیاهی را نتیجه گرفته‌اند و شیخ اشراق از هماهنگی عالمانه و مدبرانه میان عناصر، به اثبات خدای متعال برای آن‌ها می‌پردازد (الماسوندی، 1401: 36).

قرآن کریم در آیات متعدد به این مسئله می‌پردازد: **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاٰخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ آل عمران: 190**

ترجمه: مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌ها و دلالتی برای خردمندان است.

در اندیشه اسلامی، انسان سرور زمین و عهده دار نقش اول روایت‌ها و حکایت‌ها در قرآن است و همه‌اشیایی که در زمین وجود دارد برای او و در خدمت او است و هر گونه تغییر و تبدیلی در طبیعت در تسخیر او، توسط او صورت می‌گیرد. چنین برجستگی باعث می‌شود که انسان، گرامی‌تر و عزیزتر از همه‌اشیای مادی باشد، طوری که قرآن کریم بدان تصریح نموده است.

به همین گونه محیط زیست در فقه اسلامی نیز جایگاه بلندی دارد. قانون طبیعت یک حق، همگانی است و تخریب آن، برخلاف قوانین زیست محیطی می‌باشد. روشن است که اقدام به تخریب محیط زیست، در واقع اقدامی برخلاف حق، یعنی جنگیدن با حق است. یکی از مشهورترین قاعده‌های فقه اسلامی که در بیشتر ابواب؛ مانند عبادات، معاملات،

روابط اجتماعی و اقتصادی از آن بهره‌ی زیادی گرفته می‌شود، قاعده «لاضرر ولاضرار»¹ است. لاضرر و لاضرار، یعنی این که در اسلام هر حکمی که اصل وجود یا توسعه و استمرار آن مستلزم ضرر و ضرار بوده باشد منفی است. به عبارت دیگر، حکم کلی در اسلام این است که احکام موضوعه در اسلام نبایستی به ضرر و ضرار منجر گردد. (خزایی، 1396: 17).

مدیریت محیط زیست

انسان به عنوان بخشی از این عالم عظیم هست و هرگز نمی‌بایست به صورت یک وصله‌ی ناهماهنگ در این عالم زندگی کند. عالم نظام و میزانی دارد و انسان‌ها نیز باید برای حیات توأم با سعادت و سلامت خویش از این نظام و میزان و قوانین و معیارهای توازن بخش عالم هستی تبعیت کنند. همانطوری که اگر میزان و قانون از عالم پرچیده شود راه فنا و نابودی درپیش می‌گیرد. اگر انسان‌ها نیز در زندگی فردی و اجتماعی خویش فاقد نظم و میزان بوده و التزامی به رعایت معیارهای به‌هنجار در زندگی اجتماعی خویش نداشته باشند، رو به فنا خواهد رفت. با توجه به این امر، مدیریت محیط زیست مطابق قوانین کون و شرع یک امر ضرور بوده که در مباحث آتی روی مدیریت، زمین، آب و هوا در روشنی آیات و احادیث بحث خواهیم نمود.

الف: مدیریت زمین

خاک تأمین‌کننده مواد غذایی است، خاصیت تصفیه‌کنندگی نیز دارد و به همین دلیل به عنوان یکی از پالاینده‌های مهم طبیعت محسوب می‌شود. بستر بودن خاک برای حیات و هرگونه آلودگی در این محیط به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دیگر موجودات زنده اثر می‌گذارد، این را می‌شود با در نظر داشت موارد زیر، مدیریت نمود.

1- حفاظت زمین از آلودگی

متاسفانه آلودگی خاک نسبت به سایر آلودگی‌های زیست محیطی؛ همچون آب و هوا، به دلیل ملموس نبودن آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما باید توجه نمود که خاک به عنوان یک عنصر میانی بین آب و هوا نقش بسیار مهمی در انتقال و نگهداشت آلودگی

¹ این قاعده از حدیث گرفته شده است که در کتاب‌های مختلف حدیثی آمده است از جمله در سنن ابن ماجه. محمد فواد عبدالباقی در حاشه این کتاب می‌گوید: با آن که این حدیث منقطع است ولی راوی‌های حدیث ثقه هستند. با این حال این حدیث به حیث قاعده فقهی متداول در آمده است. (ابن ماجه، 784/2).

دارد، به خصوص به دلیل ماهیت جامد بودن آن مسأله‌ی نگهداشت و انتقال آلودگی از این محیط به سایر محیط‌ها و جان‌داران قابل تامل است. (الماسوندی، 1401: 40)

بناء آلوده ساختن محیط زیست، نمونه‌ی آشکار فساد در زمین است، زیرا نقطه‌ی مقابل اصلاح و صلح، یعنی سازگاری در نظام طبیعت است. در قرآن کریم آمده است: **وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** [الأعراف: 85]

ترجمه: و در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی نکنید. این کار به سود شما است اگر ایمان دارید.

آمار محیط زیست در زمینه‌ی کویرزایی بسیار و حشتناک است: سالانه 18 میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی به صحرا می‌پیوندند. فضای سبز جنگل جهانی از 37 میلیون کیلومتر مربع به 24 میلیون کیلومتر مربع کاهش یافته است، 90 کشور با بیابان زایی دست به گریباندن و 40 در صد فرآورده‌های کشاورزی جهان پایین آمده و ... (امرا، 1394هـ: ص 27).

در حالی که قرآن کریم تخریب کشتزار و جنگلات را فساد قلمداد نموده است: **وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ** **الْفُسَادَ** [البقرة: 205]

ترجمه: و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود در زمین به تلاش می‌افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل (انسان، حیوان و درختان) را نابود کند و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌داند.

2- اصلاح زمین

دین مقدس اسلام برای اصلاح زمین، حفظ امنیت فضای سبز و طبیعت راهکارهای زیادی را به صورت عملی و اخلاقی به اجرا گذاشته است، زیرا هدف از تسلط بر زمین، استفاده از زمین و عمران و آبادی آن است، نه سیطره‌ی مطلق بر آن. در قرآن کریم آمده است: {هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا} {هود: 61}

ترجمه: او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است بازسازی زمین و عمران آن، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ دینی ما دارد، به همین خاطر است که زمین به هر صورتی که امکان دارد، باید مورد استفاده قرار بگیرد. پیامبر اکرم صلی الله

علیه وسلم می‌فرماید: "مَنْ كَانَتْ لَهُ أَرْضٌ فَلْيُزْرِعْهَا، أَوْ لِيَمْنَحْهَا أَخَاهُ (بخاری، 1388: 118/2).

ترجمه: کسی که زمینی دارد باید آن را کشت کند و یا به برادرش ببخشد (تا آن را آباد کرده از آن استفاده نماید).

سطح زمین نقش چشم‌گیری در تولید زراعت دارد، اهمیت پستی و بلندی زمین از سطح دریا و همچنین تناسب دوری و نزدیکی آن به آفتاب، مساعد بودنش با سیستم وزش باد و باران همه و همه زمینه‌ی خوبی است برای توسعه زراعت و کشت و کار (هارون، 1423: 11).

همه این‌ها نعمت‌های الهی بوده که باید پاسداری شوند، طوری که الله متعال می‌فرماید: **وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ [الأنعام: 141]**

ترجمه: خدا است که آفریده است باغهایی را که بر پایه استوار می‌باشند و باغهایی را که چنین نیستند و خرمائوها و کشتزارها را آفریده است که ثمره‌ی آن‌ها گوناگون است، و نیز درختان زیتون و انار را آفریده است که هم‌گونند و متفاوتند. هنگامی که به بار آمدند از میوه‌ی آن‌ها بخورید و به هنگام رسیدن و چیدن و درو کردن‌شان از آن‌ها ببخشید و زکات لازم آن‌ها را بدهید، و اسراف نکنید، زیرا که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.

با توجه به این امر است که کسی که زمین بایری را آباد می‌کند، آن زمین به او تعلق گرفته، شخصی دیگر حق تصرف در آن را ندارد. از فرامین رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است: **مَنْ أَعْمَرَ أَرْضاً لَيْسَتْ لِأَحَدٍ؛ فَهُوَ أَحَقُّ". قَالَ عُرْوَةُ: قَضَى بِهِ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي خِلَافَتِهِ (بخاری، 1388: 116/2).**

ترجمه: هرکسی زمینی که به کسی تعلق ندارد را آباد کند، او از دیگران بدان زمین اولاتر است. عروه می‌گوید: عمر رضی الله عنه در زمان خلافت خود همین گونه فیصله کرد. بناء رسیدگی به محیط زیست و کمک در برقراری نظم و انضباط آن عبادت، و برهم زدن و یا خدشه دار کردن زیبایی آن از جمله گناهان شمرده شده است: رسول اکرم صلی الله

علیه وسلم می‌فرماید: عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنُهَا وَسَيِّئُهَا، فَوَجَدْتُ فِي مَحَاسِنِ أَعْمَالِهَا إِمَامَةَ الْأَدَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَوَجَدْتُ فِي مَسَاوِي أَعْمَالِهَا التُّخَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ لَا تُدْفَنُ" ابن خزیمه، (ب ت): 1/643)² (این حدیث در کتب مختلف حدیثی از جمله در مسند احمد، مسند بزار و غیره آمده و شیعب ارنووط گفته: این حدیث مطابق شرط امام مسلم است. مسند احمد: 448/35)

ترجمه: کارنامه امت؛ از خوبی‌ها و بدی‌های‌شان، بر من عرضه شد. دیدم که از جمله خوبی‌های آن، کنار زدن هر آنچه باعث آزار و اذیت مردم می‌شود از سر راه بود. و از جمله بدی‌های‌شان بلغمی است که در مسجد انداخته شده روی آن خاك نریخته اند محمد فود عبدالباقی در شرح کلمه‌ی «إِمَامَةُ الْأَدَى» که در صحیح مسلم نیز آمده است، می‌نویسد: مراد دور کردن و یک سو کردن هر چیزی است که سبب آزار و اذیت انسان می‌گردد، مانند سنگ، کلوخ، خار و چیزهای از این قبیل. نیساپوری، ب ت: 63/1

3 کاشت درخت

درخت در تغییر آب و هوا، زیبایی طبیعت و جلب باران نقش بسیار مهمی دارد. درخت مانند کارخانه‌ای است که فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای را بدون چشم‌داشتی به جامعه تقدیم می‌کند. به همین سبب است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فِسِيلٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ إِلَّا تَقْوَمَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا، فَلْيَفْعَلْ» (الطیالسی، 1398: 545/3).

ترجمه: اگر قیامت برپا شد و در دست کسی از شما نهالی بود، و اگر می‌توانست آن را قبل از برپایی قیامت بکارد، حتما این کار را انجام دهد

در آموزه‌های دینی، کاشت درخت یک عمل اسلامی و عبادی است. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: "مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ، أَوْ إِنْسَانٌ، أَوْ بَهِيمَةٌ (وَفِي رِوَايَةٍ: دَابَّةٌ؛ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ" (بخاری، 1380: 109/2).

ترجمه: هر فرد مسلمانی که درختی بکارد یا زراعتی کشت کند، و پرندگان یا انسان‌ها یا حیوانات از آن بخورند در آن برای او اجر و پادش (صدقه) است.

ب: مدیریت آب

² شیعب ارنووط این حدیث را در حاشیه همین کتاب بررسی نموده می‌گوید که صحیح است.

آب یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار است که مایه‌ی حیات تمام موجودات می‌باشد. آب 72 در صد روی زمین را پوشانیده است. 97/2 در صد حجم آب کره زمین در اقیانوس‌ها و دریاها است. حدود 1/23 در آب‌های زمین شیرین است که حدود یک سوم این مقدار قابل مصرف است (مغربی: 1388: 32).

آب یک ماده‌ی ضروری جهت زندگی بر روی زمین و جزئی از بدن همه‌ی موجودات زنده است. طوری که در قرآن کریم آمده است: **وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ [نور: 45]**. ترجمه: خداوند هر جنبنده را از آب آفریده است.

به اثر تحقیقاتی که صورت گرفته گفته می‌شود که مقدار آب در حیوانات زنده مابین 70-90% مطابق به نوعیت حیوان می‌باشد. مقدار آب در جسم انسان حدودا 7% مطابق وزن کلی جسمش می‌رسد، به همین گونه مقدار آن در میوه‌ها به 90% و در سبزیجات به 85% می‌رسد. (الحفیظ، 1432: 95)

در قرآن کریم نیز به این مسأله تصریح شده است: **{وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ} [الأنبیاء: 30]**

ترجمه: و هرچیز زنده‌ای را از آب آفریده ایم. آیا ایمان نمی‌آورند؟

دین مقدس اسلام، تصرفات ناشایست را مانند انداختن فاضلاب و تفاله کارخانجات، استفاده از سمها و حشره‌کش‌ها، شستشوی ظرف و لباس، و انداختن آشغال‌ها و کثافت‌های حیوانی در آب‌های رودخانه‌ها، گناه تلقی کرده و با فراهم کردن بستر فرهنگی مناسب، پیروان خود خود را از هرگونه تصرف اشتباه در این زمینه برحذر می‌دارد. قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم -: **"اتَّقُوا الْمَلَاعِنَ الثَّلَاثَةَ: الْبِرَّازَ فِي الْمَوَارِدِ، وَقَارِعَةَ الطَّرِيقِ، وَالظَّلَّ"** (أبی داود، 1383: 21/1).⁽³⁾

ترجمه: از سه موردی که باعث جلب لعن و نفرین برای فرد می‌شوند دوری کنید: ادرار در آب، و یا سر راه‌های عمومی، و در سایه.

در حدیث دیگری آمده است: **"لَا يُولَنَ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَجْرِي، ثُمَّ يَغْتَسِلُ فِيهِ"** (بخاری، 1388: 95/1).

³ شعیب ار نووط گفته است: این حدیث حسن لغیره است، این ماجه نیز این حدیث را تخریج نموده در ص 328 و برای آن شاهدهی از طریق ابی هریره آمده است. (أبی داوود: 21/1).

ترجمه: باید کسی از شما در آب ایستاده‌ای که روان نیست، ادرار نکند که بعدا در آن غسل می‌کند.

در فرامین دیگری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به حفاظت از آب نوشیدنی از دخول حشرات و میکروب‌ها و گرد و خاک نظافت آن بسیار تأکید شده است: قال النبي صلی الله علیه وسلم: «أغلقوا الباب، وأوکتوا السقاء» (ترمذی، 1423: 4/263⁴).

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: دروازه را بسته کنید و سر ظرف‌های تان را ببندید.

در حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ اخْتِنَانِ الْأَشْقِيَةِ (بخاری، 1388: 3/472).

ترجمه: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از نوشیدن آب از ظرفی که دهان اش شکسته است ممانعت فرمودند.

ج: مدیریت هوا از آلودگی

آلودگی هوا عبارت است از حضور یک یا چند آلاینده در آن. آلودگی هوا به وضعیت اشاره دارد که در آن هوا با مواد و ذرات آلوده کننده مانند گازهای ناخالص، ذرات معلق، ترکیبات شیمیایی و غیره یکجا می‌شود. هوا یکی از عناصر ارزشمند و حیاتی است، چیزی که با استنشاق آن زندگی خود را تداوم می‌بخشیم. هوا، اقیانوسی است که در آن تنفس می‌کنیم 9/99 درصد هوا از نیتروژن، اکسیژن، بخار آب و گازهای بی‌اثر تشکیل شده است. (مغربی، 1388: 33).

فقهای اسلام در زمانی که غرب در غارها و جنگل‌ها زندگی بدوی را سپری می‌کرد، در مورد بهداشت عمومی جامعه و عدم آلودگی هوا قلم زده؛ برپایی آسیاب، حمام‌های عمومی، پوست‌سازی، آهنگری و هر آنچه باعث آلودگی هوا شود را در بین خانه‌های مسکونی و وسط شهر ممنوع دانسته، نظافت هوا و حمایت از آن را فرض عین بر هر فرد مسلمان تلقی می‌کردند. این در حالی است که براساس برآورد سازمان جهانی بهداشت آلودگی هوا در هر سال موجب مرگ سه میلیون نفر می‌شود. کارشناسان معتقدند که آلودگی هوا سه پیامد اصلی شامل «باران اسیدی، تخریب لایه‌ی ازن و گرم شدن زمین را در مقیاس بین‌المللی به دنبال دارد» (مغربی، 1388: 33).

⁴ این حدیث را امام ترمذی در نفس صفحه صحیح گفته است.

در احادیث متعددی به سرسبزی و غرس نهال مسلمانان را تشویق نموده که سبب پاکی هوا می‌گردد. به همین گونه ضرر رساندن به دیگران گناه دانسته است. بناء مصرف بیش از حد سوخت‌های فسیلی مانند نفت، گاز وزغال سنگ، باعث آلودگی هوا شده که این خود بزرگترین خطر برای سلامتی انسان است. در حدیث دیگر می‌فرماید: "المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده" (بخاری، 1388: 21/1)

ترجمه: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند از نظر اسلام، هر آنچه باعث آلودگی هوا - حتی در محیط بسیار بسته و تنگ بهداشت فردی - شود ممنوع اعلام شده است: أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: "مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا فَلْيَعْتَزِلْنَا، أَوْ قَالَ: فَلْيَعْتَزِلْ مَسْجِدَنَا، وَلْيَقْعُدْ فِي بَيْتِهِ" (بخاری، 1388: 265/1)

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم گفته است: کسی که سیر یا پیاز - یا هر چیز بد بویی - خورده باشد به مسجد ما یاید

در حدیثی دیگری آمده است: مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْمُتَنَّبَةِ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَأْذَى مِمَّا يَأْذَى مِنْهُ الْإِنْسُ "الشیبانی، 1416: 259/23".⁵

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: کسی از این درخت بدبوی - پیاز- اگر خورد پس به مسجد ما نزدیک نشود، چرا که فرشتگان نیز از هر آنچه باعث آزار و اذیت انسانها شوند آزرده خاطر می‌گردند.

نتیجه‌گیری

نظر به تحقیق و بررسی که در زمینه‌ی مدیریت محیط زیست از نظر اسلام صورت گرفت، مقاله حاضر به نتایج زیر دست یافته است: محیط زیست عبارت است از مجموعه عوامل طبیعی، مصنوعی و اجتماعی که در اطراف انسان وجود داشته، برزندگی اش اثر گذاشته و انسان نیز از آن متأثر می‌شود. از آنجایی که انسان عنصر جدایی‌ناپذیر از مجموعه‌ی نظام هستی است، پس موقعیت او در برابر طبیعت باید بر اساس حقیقت آفرینش تعیین گردد. همانطور که اراده‌ی تکوینی خداوند بر نظم و هماهنگی در جهان استوار شده، اراده‌ی تشریحی

⁵ محقق این کتاب، شعیب از نووط در پاورقی همین کتاب در نفس صفحه می‌گوید: این حدیث صحیح است. در مسند بزار و دیگر کتب حدیث نیز آمده است. بزار، 1988: 167/14.

او نیز بر چنین امری تعلق می‌گیرد، از این رو خداوند متعال از مخلوقات خود، به‌ویژه انسان- که موجودی مکلف و مختار است خواسته تا این نظم و توازن را نگهداشته و از تصرف منافی با نظام زیست محیطی پرهیز کند. در این تحقیق، محیط زیست به دو بخش که عبارت از محیط زیست انسانی و غیر انسانی می‌باشد، تقسیم شده است. محیط زیست انسانی نیز به سه بخش تقسیم شده است: محیط زیست طبیعی، محیط زیست مصنوعی و محیط زیست اجتماعی. دین مقدس اسلام برای اصلاح زمین، حفظ امنیت فضای سبز و طبیعت راه کارهای زیادی را به صورت عملی و اخلاقی به اجرا گذاشته است، زیرا هدف از تسلط بر زمین، استفاده از زمین و عمران و آبادی آن است، نه سیطره‌ی مطلق بر آن. در این تحقیق نیز آلودگی هوا مورد بررسی قرار گرفته و راه‌های بیرون رفت از آن در روشنی آموزه‌های دینی نیز بیان گردیده است. آلودگی هوا عبارت است از حضور یک یا چند آلاینده در آن می‌باشد. آلودگی هوا به وضعیت اشاره دارد که در آن هوا با مواد و ذرات آلوده کننده مانند گازهای ناخالص، ذرات معلق، ترکیبات شیمیایی و غیره یکجا می‌شود. نگهداشتن هوا از آلودگی نیز مورد توجه تمام فقهای اسلام بوده و در احادیث متعددی به سرسبزی و غرس نهال، مسلمانان را تشویق نموده که سبب پاکی هوا می‌گردد. به همین گونه ضرر رساندن به دیگران گناه دانسته شده است.

منابع

قرآن کریم

- ابن خزیمه، ابو بکر محمد بن اسحاق، (ب ت) صحیح ابن خزیمه، تحقیق: محمد بن مصطفی الأعظمی، ناشر: المکتب الإسلامی - بیروت.
- ابن ماجه، (ب ت) أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء الكتب العربية.
- امرا، د. نورمحمد، (1394) اسلام و محیط زیست، سایت: کتابخانه‌ی عقیده، WWW.aqeedeh.com
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، (1388هـ)، صحیح البخاری، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي. ناشر: المکتبة العلمية.

- بزار، ابوبکر احمد بن عمرو، (1988م) مسند البزار، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، ناشر: مکتبه العلوم الحکم -المدينة المنورة.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن موسی، (1423هـ)، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالباقی، نشر: المکتبه العلمیه.
- حفیظ، محمد ذیاب، (1432) البیئه، حمایتها، تلوثها، مخاطرها، دار صفا للنشر، چاپ اول.
- سجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث. (ب ت). سنن أبي داود. تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید. بیروت: المکتبه العصریه.
- شیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل. (1416 هـ). مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق: أحمد محمد شاکر. القاهرة: دار الحديث.
- طیالسی، ابوداود بن سلیمان بن جالود، (1419) مسند أبي داود الطيالسی، تحقیق: محمد بن الحسن، ناشر: دارهجر - مصر.
- ماسوندی، علیرضا و دیگران، (1401) نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از دیدگاه قرآن، مجله نامه الهیات، سال پانزدهم، شماره پنجاه ونهم.
- مغربی، حمید فغفور، (1388) اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره هشتم.
- نیساپوری، مسلم بن الحجاج ابوالحسن قشیری، (ب ت) صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ناشر: دار احیاء التراث العربی-بیروت
- هارون، علی احمد، (1423) جغرافیه الزراعیه، دارالفکر العربی، چاپ دو

